

چرا جنگ؟

صد سوال از ما، صد پاسخ از شما

سرمقاله

تحلیل سیاسی این شماره نشر مستضعفین را، با طرح صد سوال به انجام می‌رسانیم، باشد که قبول افتد و در نظر آید.

۱ - چرا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در این شرایط بر طبل جنگ می‌کوبد؟

۲ - آیا اشک تمساح امپریالیسم به خاطر مقتولین سلاح شیمیایی مردم مظلوم سوریه است؟

۳ - چرا به موازات اینکه جهان آستن نظم نوین چند قطبی بر پایه تقسیم باز تقسیم جدید بازارهای جهانی می‌شود، طبل جنگ‌های امپریالیستی این بار از حوزه مدیترانه از سر گرفته می‌شود؟

۴ - چرا دو جنگ بین‌الملل اول و دوم در نیمه اول قرن بیستم در چارچوب تقسیم امپریالیستی بازارهای جهانی بر روی اجساد مردم اروپا انجام گرفت، اما تقسیم باز تقسیم بازارهای جهان در قرن بیست و یکم بر روی اجساد مردم خاورمیانه در حال انجام است؟

۵ - چرا حمله به سوریه در کنار جنگ افغانستان و اشغال عراق و حمله به لیبی در این دهه در شرایطی انجام گرفت و انجام می‌گیرد که جهان در حال گذار نظم سابق تک سواری به نظم نوین چند قطبی می‌باشد؟

۶ - چرا جنبش دموکراسی طلبانه بهار عربی شکست خورد و به رکود گرائید و در هیچ کشور عربی نتوانست به تثبیت دموکراسی برسد، لیبی و یمن را سومالیزه، سوریه و عراق را افغانستانیزه، مصر را ایرانیزه سال ۳۲ زاهدی کرد؟

۷ - چرا کودتای ارتش ضد خلقی مصر تحت رهبری ژنرال السیسی توانست دولت محمد مرسی را که با انتخاب مردم بر سر کار آمده بود سرنگون کند و جوی خون در مصر به راه بیندازد؟

۸ - چرا السیسی اکنون به تنهایی بر مصر حاکم شده و با مشت آهنین به جای دموکراسی بر مصر حکومت می‌کند؟

ادامه در صفحه ۲

سلسله بحث‌هایی تئوریک در باب آزادی و دموکراسی - قسمت پنجم

ارتداد و آزادی -

زن و دموکراسی -

آزادی سوسیالیستی و آزادی بورژوازی

در عرصه حرکت تشکیلاتی هم باز در جامعه ایران قضیه به همین ترتیب می‌باشد چراکه در ۱۵۰ سال گذشته از زمانی که نخستین حرکت تشکیلاتی در بستر مبارزه مشروطه خواهی ملت ایران شکل گرفت تا امروز، ما شاهد هیچ تشکیلات فراگیر استخوان‌داری نبوده‌ایم. دلیل این امر باز بر می‌گردد به همان موضوع روحیه فردگرایانه و غیر جمعی جامعه ایرانی و علت اینکه می‌بینیم در مبارزه تشکیلاتی استراتژی نظامی‌گری و چریکی و

ادامه در صفحه ۱۰

اسلام شناسی - قسمت ۲۸

اسلام نهضت، اسلام نظام

ز - دوران سوم حیات تئوریک شریعتی یا دوران شریعتی فلسفه تاریخ:

اگر ما بر حسب مراحل سیر فرآیندهای تکاملی پروسس اندیشه تاریخ شریعتی بخواهیم دوران حیات تئوریک او را تقسیم بکنیم به سه مرحله می‌رسیم؛

۱ - تاریخ تشریحی،

۲ - تاریخ تحلیلی،

۳ - تاریخ تبیینی،

که همین سه مرحله سیر اندیشه تاریخ شریعتی را اگر از زاویه طولی در نظر بگیریم، معرف سیر اندیشه بشر در عرصه تاریخ نیز می‌باشد! چراکه بشریت در طول ۲۵ قرن تاریخ اندیشه از یونان باستان تا کنون در خصوص موضوع تاریخ؛ سه فرآیند تاریخ تشریحی و تاریخ تحلیلی و تاریخ تبیینی را طی کرده است.

ادامه در صفحه ۱۲

مبارک باد سال جدید تحصیلی بر دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان و اساتید ایران

مهر ۹۲ در ترازوی

۶۰ ساله

جنبش دانشجویی ایران

الف - ۶۰ سال تاریخ پر فراز و نشیب جنبش ایران: رکود جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی ایران پس از رکود جنبش اجتماعی خرداد ۸۸ از بعد از سرکوب قهرآمیز قیام عاشورای ۸۸، امری است که هر چند در برابر آن سر خود را مانند کبک در برف بکنیم باز به عنوان یک واقعیت تاریخی خود را در برابر ما افتابی می‌کند. به راستی چه شد که جنبش دانشجویی از بعد از سرکوب قهرآمیز عاشورای ۸۸ که بستر ساز آن قیام عاشورائی بود، برای مدت سه سال به رکود کشیده شد؟

ادامه در صفحه ۴

سلسله تفاسیر قرآن شناسی - تفسیر سوره

نباء

قیامت تکوینی - قیامت تبیینی - قیامت تشریحی - قیامت تبلیغی

چند سوال:

سوال اول: چرا قرآن و پیامبر اسلام در دوران ۱۳ سال حرکت مکی خود بر اصل قیامت بیشتر از اصل توحید تکیه می‌کرد؟

سوال دوم: چرا قرآن و وحی و پیامبر اسلام پیوسته جهت تبیین فلسفی قیامت - به جای تکیه بر فلسفه یونان افلاطونی و ارسطویی که در قرن هفتم میلادی یعنی دوران بعثت پیامبر اسلام اندیشه جهانگیر و عقلائیت دوران را تشکیل می‌دادند و بر پایه اصل روح و اصل تجرید روح و اصل بقاء روح و اصل ماوراء الطبیعت بودن جنس روح و اصل حاکمیت روح بر ماده و اصل جدائی جنس روح از ماده و اصل پیوند بین روح و حیات و اصل طبقه بندی بودن عالم ارواح و اصل پست بودن ماده و

ادامه در صفحه ۷

۸ - چرا السیسی اکنون به تنهایی بر مصر حاکم شده و با مشت آهنین به جای دموکراسی بر مصر حکومت می‌کند؟

۹ - چرا جنبش دموکراسی طلبانه مردم تونس تحت رهبری النهضه نتوانست تثبیت گردد؟

۱۰ - چرا جنبش دموکراسی طلبانه مردم لیبی بر علیه قذافی امروز در لیبی چهار اسبه به طرف آنارشیت و بالکانیزه شدن و جنگ داخلی پیش می‌رود؟

۱۱ - چرا جنبش دموکراسی طلبانه بهار عربی مردم یمن، امروز باعث شده تا کشور یمن به سه بلوک شمال و جنوب و مرکز تقسیم شود، در شمال یمن حوثی‌ها حاکم شوند و در جنوب القاعده در جامعه انصار الشریعه حاکم گردد و در مرکز هم خلف علی عبدالله صالح با قدرت سرنیزه حکومت کند؟

۱۲ - چرا فاتح نهائی جنبش دموکراسی خواهانه بهار عربی رژیم ارتجاعی آل سعود شد که با فرش دلار و اسلحه در مصر و عراق و سوریه امروز کوس «لن الملک» سر داده است؟

۱۳ - چرا در آخرین نشست شورای امنیت، - در رابطه با تعیین وضعیت برای سوریه - برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل متحد نماینده روسیه و چین با هم جلسه را ترک کردند؟

۱۴ - آیا مخالفت آلمان و ایتالیا با حمله به سوریه از موضع انسانی است؟

۱۵ - استراتژی آلمان و ایتالیا در نظم آینده بین‌المللی چه تفاوتی با استراتژی فرانسه و انگلستان دارد؟

۱۶ - در نظم بین‌المللی آینده جایگاه اقتصادی - سیاسی چین و جایگاه نظامی - سیاسی روسیه چگونه ترسیم می‌شود؟

۱۷ - چرا رژیم مطلقه فقهاتی تلاش می‌کند تا حمله امپریالیستی به سوریه را بدل به جنگ هلال شیعیه با اسرائیل بکند؟

۱۸ - چرا با سقوط اسد در سوریه، رژیم شیعیه در عراق سرنگون خواهد شد و عراق بالکانیزه خواهد شد؟

۱۹ - چرا با سقوط اسد در سوریه، حزب الله لبنان خلع سلاح خواهد شد؟

۲۰ - چرا با سقوط اسد در سوریه، - مانند مرگ تیتو در یوگسلاوی - هلال شیعیه تکه و پاره خواهد شد؟

۲۱ - چرا اسرائیل تلاش می‌کند که قبل از حمله به ایران، دولت اسد و ارتش سوریه را از سر راه خود بردارد؟

۲۲ - آیا اسرائیل و آمریکا با وجود هلال شیعیه می‌توانند به استراتژی خاورمیانه بزرگ خود دست پیدا کنند؟

۲۳ - اگر با سقوط اسد در سوریه، بالکانیزه شدن سوریه و عراق و مصر و در نهایت ایران و ترکیه و عربستان امری محتوم و جبری خواهد بود؟

۲۴ - آیا این امر دلالت بر آن نمی‌کند که استراتژی خاورمیانه بزرگ امپریالیسم آمریکا تحت هژمونی اسرائیل از بستر بالکانیزه کردن مصر و ترکیه و عربستان و عراق و سوریه لیبی و سودان و ایران می‌گذرد؟

۲۵ - چرا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌کوشد جهت بالکانیزه کردن کشورهای فوق، از تاکتیک بیابان‌های سوخته توسط نابود کردن زیر ساخت‌های اقتصادی این کشورها استفاده بکند؟

۲۶ - چرا امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در مرحله گذار به خاورمیانه بزرگ به علت اسلامی بودن فرهنگ کلیه کشورهای منطقه، از قدرت گرفتن القاعده و جریان‌های وهابگیری و تکفیری در کشورهای اسلامی بیم و هراسی ندارد؟

۲۷ - چرا در این شرایط که نزدیک به سه سال از جنگ داخلی و بحران سوریه می‌گذرد به یکباره امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تصمیم به مداخله نظامی می‌گیرد؟

۲۸ - آیا توازن قدرت بین دولت مرکزی با جریان‌های مخالف در جنگ داخلی سوریه و یا محروم کردن روسیه از تنها پایگاه استراتژیک حوزه مدیریتانه‌ای خود علت تصمیم دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه

شده است؟

۲۹ - آیا حضور همه جانبه حزب الله لبنان و ایران در جنگ داخلی سوریه و در حمایت به خانواده اسد و دولت مرکزی - که باعث شده تا کفه قدرت به نفع دولت اسد به هم بخورد و ارتش و حزب الله بتوانند از بعد فتح القصیر و حمص موفقیت‌های دیگر نظامی به کف بیاورند - عامل دخالت امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا شده است؟

۳۰ - آیا فشار کارتل و تراست‌های پنتاگونیم آمریکا جهت فروش سلاح‌های نظامی - که یکی از راه‌های برون رفت آمریکا از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ می‌باشد - عامل تحریک دولت اوباما جهت حمله به سوریه می‌باشد؟

۳۱ - در صورتی که آنچنانکه رژیم مطلقه فقهاتی تاکید دارد حمله نظامی امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به اسرائیل کشیده شود، آیا در این شرایط که کشورهای عربی اعم از مصر، عراق، لبنان و حتی خود فلسطین، لیبی، تونس، اردن، یمن، سودان و... گرفتار مشکلات و تضادهای داخلی خود هستند - آنچنانکه رژیم مطلقه فقهاتی فکر می‌کند - جنگ بر علیه اسرائیل می‌تواند این رژیم را مانند رژیم سوریه از پای درآورد؟

۳۲ - آیا سقوط دولت اسد در سوریه می‌تواند به حل بحران سیاسی و اقتصادی دولت رجب طیب اردوغان کمک کند؟

۳۳ - آیا حمله امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مانند حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ دو مرحله‌ای است یا مانند حمله به لیبی تک مرحله‌ای؟

۳۴ - چرا امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در سال ۲۰۰۳ حمله به عراق را به صورت دو مرحله‌ای درآورد؟

۳۵ - اگر دو مرحله‌ای کردن حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ به خاطر نبود هژمونی تامین کننده منافع امپریالیسم بود، آیا در حمله دوم امپریالیسم جهانی به عراق که باعث سرنگونی صدام شد این خواسته امپریالیسم جهانی تحقق پیدا کرد؟

۳۶ - چرا جناح پنتاگون نیست یا کارتل‌های اسلحه در آمریکا طرفدار جنگ یک مرحله‌ای نامحدود هستند، اما جناح بانکداران و جناح نفتی امپریالیسم آمریکا طرفدار جنگ دو مرحله‌ای و نابود کردن زیرساخت‌های اقتصادی و اداری در مرحله اول می‌باشند؟

۳۷ - آیا سقوط دولت اسد در این شرایط توسط تجاوز نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌تواند در راستای دموکراتیزه کردن انتقال قدرت در سوریه یا خاورمیانه باشد؟

۳۸ - چرا جناح غیر نظامی سرمایه‌داری انگلستان از شرکت در جنگ خاورمیانه در این شرایط خودداری کردند؟

۳۹ - آیا سقوط دولت اسد و تثبیت حکومت اخوان المسلمین یا جناح وهابگیری تکفیری یا به فرض محال ملی گرایان سوریه می‌تواند عامل تثبیت شرایط بحران زده در عراق بشود؟

۴۰ - چرا جوی خون شیعیه کشی در این شرایط از جنوب آسیا تا مدیترانه به راه افتاده است؟

۴۱ - چرا جناح جنگ طلب رژیم مطلقه فقهاتی معتقد به مشارکت در جنگ آمریکا و سوریه و کشیدن جنگ به همه منطقه است؟

۴۲ - چرا دولت یازدهم در این شرایط انجام حمله آمریکا به سوریه و تقویت جناح جنگ طلب در ایران به ضرر تثبیت حاکمیت اداری و اقتصادی و سیاسی خود می‌داند؟

۴۳ - آیا تقویت جناح جنگ طلب در رژیم مطلقه فقهاتی در بستر حمله آمریکا زمینه شکست دیپلماسی دولت یازدهم در نشست مهرماه ۹۲ آژانس فراهم نمی‌کند؟

۴۴ - آیا حمله آمریکا به سوریه بسترساز حاکمیت دوباره جناح جنگ طلب و سنت گرای مذهبی - که در انتخابات خرداد ۹۲ شکست خوردند - نمی‌شود؟

۴۵ - آیا بالکانیزه شدن سوریه و عراق در این شرایط زمینه جهت بالکانیزه

کردن ایران فراهم نمی‌کند؟

۴۶ - چرا جناح سنت‌گرا و جنگ طلب رژیم مطلقه فقهانی قبل از هر چیز سعی می‌کند جهت ماهی گرفتن از آب گل آلود منطقه و عراق صورت حساب مجاهدین را در عراق کلا پاک بکند؟

۴۷ - آیا حملات گذشته نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به عراق، افغانستان، لیبی، یمن و... در راستای منافع توده‌های منطقه و دموکراتیزه کردن انتقال قدرت در این کشورها بوده است و یا در خدمت تثبیت هژمونی قدرت طلبانه اسرائیل و جناح ارتجاعی منطقه به سرمداری عربستان می‌باشد؟

۴۸ - چرا فونکسیون حمله نظامی امپریالیسم جهانی به لیبی و افغانستان و عراق بسترساز سومالیزه کردن این سه کشور شده است؟

۴۹ - آیا سیاست سومالیزه کردن کشورهای منطقه توسط حمله نظامی با نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و اداری بسترساز بالکانیزه کردن کشورهای منطقه نمی‌شود؟

۵۰ - چرا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در حمله به کشورهای منطقه قبل از ضربه به پایگاه‌های نظامی توسط حمله موشکی و بمباران‌های هوایی زیرساخت‌های اقتصادی و اداری کشورهای منطقه را هدف قرار می‌دهد و نابود می‌کند؟

۵۱ - آیا اصلا در کشوری که زیرساخت‌های اقتصادی آن ویران شده است، امکان شکل گیری دموکراسی در این شرایط وجود دارد؟

۵۲ - آیا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نمی‌دانند که حمله نظامی به کشورهای منطقه بسترساز حاکمیت جناح‌های قدرت گرای سنتی در کشورهای منطقه می‌شود؟

۵۳ - در کدامین کشور جهان حمله نظامی کشورهای امپریالیستی توانسته در راستای دموکراتیزه کردن شرایط در کشور مورد حمله واقع شود؟

۵۴ - آیا امپریالیست جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نمی‌دانند که حمله نظامی به کشورهای منطقه بسترساز سرکوب توده‌ها توسط قدرت‌های ضد خلقی حاکم در این کشورها می‌شود؟

۵۵ - آیا سرازیر شدن سرمایه‌های نفتی منطقه توسط دولت‌های ارتجاعی منطقه به جیب کارتل‌های نظامی بسترساز رونق اقتصاد به رکود کشیده شده سرمایه‌داری جهانی از سال ۲۰۰۸ نیست؟

۵۶ - آیا رکود مزمن اقتصادی امروز سرمایه‌داری جهانی که از سال ۲۰۰۸ تکوین پیدا کرده است توسط حمله نظامی امپریالیسم جهانی قابل درمان می‌باشد؟

۵۷ - چرا امپریالیسم جهانی نتوانست در سوریه مانند عراق و لیبی مجوز حمله از شورای امنیت کسب کند؟

۵۸ - آیا دور زدن شورای امنیت در این زمان که جهان آستان تقسیم باز تقسیم جهانی قدرت و زایش نظم جدید جهانی می‌باشد به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نیست؟

۵۹ - آیا بحران موشکی کوبا در دهه ۷۰ که به پیروزی خروشچف انجامید برای پوتین در جنگ خاورمیانه قابل تکرار است؟ اگر نه چرا؟

۶۰ - چرا سقوط دولت اسد در سوریه آخرین پایگاه استراتژیک روسیه را در مدیترانه و خاورمیانه ساقط می‌کند؟

۶۱ - آیا روسیه در سوریه امروز تاوان ندانم کاری‌های سیاست گذشته خود در لیبی و عراق را پس نمی‌دهد؟

۶۲ - آیا برای روسیه بعد از سقوط اسد راهی برای برگشت به خاورمیانه و حوزه مدیترانه وجود دارد؟

۶۳ - چرا دولت رجب طیب اردوغان از عدم مشارکت با امپریالیست‌ها در حمله به عراق پشیمان است؟

۶۴ - چرا دولت کودتای السیسی به شدت با حمله به سوریه توسط سرمایه‌داری جهانی و سقوط دولت اسد و تقویت قدرت سیاسی اسرائیل و حاکمیت دولت اخوان المسلمین یا وهابيون تکفیری در سوریه مخالف است؟

۶۵ - آیا مخالفت دولت کودتا در مصر در راستای موضع ضد اسرائیلی

این کشور می‌باشد؟ یا در راستای موضع ضد اخوان المسلمین این کشور؟

۶۶ - آیا افزایش قیمت نفت در عرصه بحران نظامی خاورمیانه در راستای حل بحران مزمن جهان سرمایه‌داری نیست؟

۶۷ - آیا سرمایه نفتی منطقه معلول افزایش بهای نفت بسترساز سرمایه‌های خرید سلاح از متروپول‌های نظامی جهان سرمایه‌داری نیست؟

۶۸ - آیا بن بست امپریالیسم جهانی نسبت به حل بحران ۲۰۰۸ سرمایه‌داری جهانی بسترساز دخالت نظامی غرب به منطقه نشده است؟

۶۹ - آیا غرب بدون انتقال سرمایه‌های نفتی و نظامی به جهان سرمایه‌داری امکان حل بحران ۲۰۰۸ سرمایه‌داری را دارد؟

۷۰ - آیا شکست روسیه و چین در جریان جنگ خاورمیانه به معنای تثبیت دوباره رهبری امپریالیسم آمریکا مانند نظام بین‌المللی دهه اول قرن بیست و یکم است؟

۷۱ - آیا پوتین تنها توسط شورای امنیت و تقویت نظامی دولت اسد با سرمایه‌های نفتی ایران می‌تواند آخرین پایگاه استراتژیک خود در حوزه مدیترانه و خاورمیانه را حفظ کند؟

۷۲ - آیا جنگ خاورمیانه و حمله به سوریه پایان دوران نظام تک قطبی بین‌المللی تحت هژمونی امپریالیسم آمریکا نیست؟ در صورت سقوط نظام بین‌المللی تک قطبی در جنگ خاورمیانه فاتحان آینده نظام چند قطبی چه قدرت‌هایی هستند؟ جایگاه متحدین جنگ بین‌الملل اول و دوم که مغلوبین جنگ بودند یعنی آلمان و ایتالیا و ژاپن در نظام بین‌المللی جدید چه خواهد شد؟

۷۳ - متلاشی شدن هلال شیعه توسط سقوط دولت اسد و مالکی و حزب الله لبنان در جنگ خاورمیانه که بسترساز تقویت هژمونی دولت‌های ارتجاعی عربستان و قطر می‌شود، آیا هژمونی آینده اسرائیل بر خاورمیانه بزرگ را به چالش نمی‌کشد؟

۷۴ - چرا دولت‌های عربستان و قطر و ترکیه بیش از اسرائیل بر طبل جنگ می‌کوبند؟

۷۵ - آیا با حمله سوریه و حرب الله لبنان به اسرائیل و ضد اسرائیلی کردن جنگ خاورمیانه در بستر تاکتیک و استراتژی جنگ طلبان سنت گرای رژیم مطلقه فقهانی می‌توان امیدی به تغییر صف آرائی قدرت در منطقه به زیان سه قدرت ترکیه و عربستان و قطر داشت؟

۷۶ - چرا جناح جنگ طلب و نظامی اسرائیل مصمم اند به موازات اسرائیلی کردن جنگ توسط استراتژی نظامیان سنت گرای رژیم مطلقه فقهانی با حمله به اسرائیل توسط حزب الله یا ارتش سوریه فوراً جنگ را به خلیج فارس و حمله به زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی و اداری ایران بکشانند؟

۷۷ - آیا با حمله اسرائیل به زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی و اداری ایران امکان حضور مستقیم و همه جانبه ایران و عراق در این جنگ نیست؟

۷۸ - در صورت ورود مستقیم ایران و عراق به جنگ منطقه با توجه به اینکه ترکیه و عربستان کشورهای هم جوار متحدین کشورهای مخالف می‌باشند، آیا این امر بستر همه جانبه شدن جنگ را در منطقه فراهم نمی‌کند؟

۷۹ - در چنین حالتی به نظر شما نیروی جنبش سیاسی ایران باید چه موضعی اتخاذ بکنند؟

۸۰ - چرا توده‌های محروم ایران از جنگ منطقه و حمله امپریالیست‌ها و اسرائیل بیمناکند؟

۸۱ - آیا نابودی زیرساخت‌های اقتصادی ایران توسط اسرائیل یا کشورهای امپریالیستی باعث نمی‌گردد تا جنبش اجتماعی و سیاسی ملت ایران ۱۰۰۰ سال به عقب برگردد؟

۸۲ - وظیفه ما با آن بخش از جنبش ایران که جهت کسب قدرت سیاسی خود بر طبل جنگ می‌کوبند چیست؟

۸۳ - در صورت ورود ایران و اسرائیل به جنگ منطقه آرایش و صف آرائی قدرت‌های سیاسی و نظامی منطقه چگونه خواهد شد؟

و این رکود آنچنان فراگیر بود که ما حتی در ۱۶ آذر و ۱۸ تیرماه سال‌های ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ شاهد واکنشی از جنبش دانشجویی نبودیم. هرچند در توجیه این رکود در این مدت سه ساله بسیار حرف‌ها زده شد و بسیار توجیه کردند، گاهی گفتند علت این رکود سرکوب سیستماتیک رژیم مطلقه فقهاتی از کهریزک گرفته تا سنگفرش خونین خیابان آزادی و خوابگاه‌های مغول زده دانشجویی و ستاره دار کردن و اخراج و زندانی کردن و سهمیه بندی کردن و هزاران ترفند قرون وسطایی دیگر بوده است، اما جوابی که باید در برابر این پاسخ به آن‌ها داد این است که، مگر جنبش دانشجویی ایران در طول ۶۰ سال گذشته از زمانیکه با خون خود کودتای سیاه مرداد ۳۲ را در استقبال از نیکسون رنگین کردند، تا ۱۸ تیرماه ۷۸ و تابستان ۸۸ در کهریزک بدون هزینه پیش رفته است؟ به گواه همه تاریخ دانان و تاریخ نویسان بر حق ایران زمین، بیش از ۹۰٪ فریاد شکنجه گاه‌های قرون وسطایی پهلوی در طول ۲۵ سال حاکمیت بعد از کودتا، از حلقوم جنبش دانشجویی ایران بلند شده است و بیش از ۹۰٪ کشته‌های پشته شده دهه ۶۰ رژیم مطلقه فقهاتی و بیش از ۹۰٪ زندانیان دهه ۶۰ و آواره‌های مهاجر خارج کشور در دهه ۶۰، از جنبش دانشجویی ایران بوده است. بنابراین بیان کهریزک و تار و مار شدن دانشجویان و غارت خوابگاه‌ها و ستاره دار کردن دانشجویان هرگز نمی‌تواند به عنوان عامل رکود جنبش دانشجویی در طول سه سال گذشته قبول کرد.

البته بعضی دیگر در پاسخ به علت رکود جنبش دانشجویی ایران در طول سه سال گذشته فرمول دیگری کشف کرده‌اند که مطابق آن می‌گویند علت رکود جنبش دانشجویی در طول ۳ سال گذشته رکود جنبش سیاسی ایران در طول ۳ سال گذشته در داخل و خارج کشور بوده که مطابق آن رهبری جنبش که در سال ۸۸ بخشی در دست جنبش سبز به رهبری میرحسین موسوی و مهدی کروبی بود و بخش دیگر در دست جنبش به اصطلاح اصلاح طلبان به رهبری محمد خاتمی، حزب مشارکت، حزب کارگزاران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و روحانیون مبارز بود، از بعد از سرکوب فیزیکی این دو جریان در داخل توسط دستگاه پلیسی - نظامی رژیم مطلقه فقهاتی هر دو شاخه رهبری جنبش سیاسی ۸۸ به علت عدم توانایی مبارزه درازمدت و سازمان‌گری هدفدار و عدم توانایی در کسب حمایت جنبش کارگری ایران به رکود کشیده شدند که این رکود جنبش سیاسی هدایت کننده جنبش اجتماعی ۸۸ باعث شد، تا جنبش اجتماعی خرداد ۸۸ و به موازات آن جنبش دانشجویی ایران به رکود کشیده شود. البته هر چند این پاسخ نسبت به پاسخ اول منطقی‌تر به نظر می‌رسد ولی نکته‌ای که در این رابطه نباید از نظر دور بداریم اینکه جایگاه جنبش دانشجویی ایران در طول ۶۰ سال گذشته جایگاه لوکوموتیوی نسبت به واگن‌های دیگر شاخه‌های جنبش مثل جنبش اجتماعی، جنبش دانشجویی، جنبش زنان و حتی جنبش کارگری یا جنبش سوسیالیستی داشته است و همین جایگاه لوکوموتیوی جنبش دانشجویی در طول ۶۰ سال گذشته بوده که باعث گشته که تمامی جنبش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی ما در طول ۶۰ سال گذشته وامدار جنبش دانشجویی باشند. هم در جنبش دموکراتیک سال‌های دهه ۳۰ و دهه ۴۰ این جنبش دانشجویی ایران نقش کلیدی و استارتی داشته است و هم در جنبش چریکی دهه ۵۰ ایران، این جنبش دانشجویی بستر ساز نیروی انسانی جنبش چریکی بوده و هم در جنبش فرهنگی ارشاد شریعتی در دهه ۵۰ باز این جنبش دانشجویی تغذیه کننده تمام عیار حرکت شریعتی بوده است، در جنبش اجتماعی ۵۷ که بستر ساز انقلاب فقهاتی بهمن ماه ۵۷ شد باز این جنبش دانشجویی ایران بود که نقش کلیدی و هدایت‌گرانه داشت، حتی در آن زمانی که از ۱۸ شهریور

- ۸۴ - اگر موجودیت اسرائیل بر اثر حمله نظامی سوریه و ایران و حزب الله به خطر بیافتد آیا امکان اتمی شدن جنگ منطقه توسط اسرائیل وجود ندارد؟
- ۸۵ - در چه صورت روسیه خود را موظف به شرکت نظامی مستقیم در جنگ منطقه خواهد دید؟
- ۸۶ - از سه اسلام حکومتی اخوان و تکفیری و ولایتی منطقه در اثر شروع جنگ کدامین شانس موفقیت در این جنگ استخوان سوز خواهد داشت؟
- ۸۷ - اگر اسرائیل وارد جنگ با ایران به صورت هوایی بشود با عنایت به احساس ضد اسرائیل توده‌های مردم منطقه از شمال آفریقا تا جنوب آسیا، آیا امکان دوباره اعتلای بهار دموکراسی طلبانه عربی وجود دارد؟ از آنجائیکه توده‌ها و جنبش سیاسی کشورهای عربی در عرصه مرحله اول جنبش بهار عربی به درستی فهمیدند که هر گونه جنبش دموکراسی خواهانه کشورهای عربی تا زمانیکه از کشور عربستان شروع نشود محتوم به شکست خواهد بود.
- ۸۸ - آیا پیش بینی نمی‌کنید که در صورت اعتلای جنبش دموکراسی خواهانه در کشورهای عربی این بار این جنبش از عربستان آغاز بشود؟
- ۸۹ - با توجه به اینکه به هر حال جنگ منطقه صورت کلاسیک خواهد داشت و در عرصه جنگ‌های کلاسیک این ارتش‌های کلاسیک هستند که می‌توانند از جنگ تغذیه کنند، آیا امکان آن وجود دارد که در شرایطی جنگ از محدوده ارتش‌ها خارج بشود و صورت مردمی پیدا کند؟
- ۹۰ - چه پیش بینی در باره جنبش خلق فلسطین در صورت بروز جنگ خواهید داشت؟ آیا آن‌ها تماشاجی جنگ باقی می‌مانند یا مانند جنگ‌های گذشته اعراب و اسرائیل می‌کوشند تا جنگ را از صورت کلاسیک خارج کنند و جنبه توده‌ای به آن ببخشند؟
- ۹۱ - اگر شیشه عمر امپریالیسم غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا اسرائیل می‌باشد و «تمامی راه‌ها به روم ختم می‌شود» تا امنیت اسرائیل تضمین گردد در چه صورتی آمریکا و امپریالیسم غرب از حمله به منطقه دست بر می‌دارند؟
- ۹۲ - آیا اگر موازنه قدرت در جنگ داخلی سوریه توسط تقویت نظامی مخالفین به سود مخالفین و به ضرر دولت مرکزی سوریه به هم بخورد، امکان عقب نشینی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا وجود دارد؟
- ۹۳ - موضوع استفاده از سلاح شیمیایی توسط ارتش ضد خلقی سوریه تا چه اندازه در حمله امپریالیست‌ها دخالت دارد؟
- ۹۴ - آیا سومالیزه شدن سوریه در اثر حمله نظامی باعث نمی‌شود تا جناح‌های تکفیری در منطقه سوریه و عراق و لبنان یکه تازی بکنند؟
- ۹۵ - آیا در صورت منطقه‌ای شدن جنگ، بستر اعتلای جنبش مردم مصر فراهم نمی‌شود؟
- ۹۶ - وظیفه جنبش سیاسی خارج کشور ایران در این مرحله تند پیچ تاریخی چیست؟ آیا سکوت یا مخالفت با جنگ یا تلاش در جهت توده‌ای کردن جنگ؟
- ۹۷ - چرا مدت نزدیک به سه سال جنبش مخالفین دولت سوریه نتوانستن دولت مرکزی را با این همه حمایت سیاسی و نظامی و لجستیکی و انسانی که از بیرون می‌شود به زانو درآورند؟ در صورتی که دولت‌های هم پیاله اسد مثل لیبی و یمن و... بیش از یک هفته نتوانستن مقاومت کنند؟
- ۹۸ - آیا امکان مقاومت ارتش ضد خلقی اسد به صورت درازمدت بدون حمله به اسرائیل توسط سلاح‌های پدافندی استراتژیکی که روسیه در اختیار دولت اسد قرار داده است، وجود دارد؟
- ۹۹ - اتخاذ چه تاکتیک‌های پدافندی از طرف ارتش ضد خلقی سوریه می‌تواند از سقوط فوری دولت اسد جلوگیری نماید؟
- ۱۰۰ - به نظر شما در صورت بروز جنگ منطقه جهان بعد از جنگ چگونه خواهد بود؟ ♦

والسلام

۵۷ جنبش کارگری ایران تمام قد وارد مبارزه شد باز این جنبش دانشجویی بود که نقش هدایت‌گرانه داشت. هر چند میوه چنان از راه رسیده انقلاب کوشیدند با تعویض شعارها هدایت‌گرانه نهضت ضد استبدادی را از دست جنبش دانشجویی ایران بگیرند ولی به علت عدم دارا بودن تشکیلات و سازماندهی قبلی، باز این رهبری از راه رسیده جهت سر بازگیری نیازمند به جنبش دانشجویی بود به طوری

که سابقه دانشجویی داشتن حتی به دروغ برای آن‌ها به عنوان یک افتخار تلقی می‌شد تا اینکه زمانی که احساس کردند دیگر نیازی به سر بازگیری ندارند توسط کودتای فرهنگی تحت عنوان انقلاب فرهنگی به جان جنبش دانشجویی افتادند و کوشیدند ابتدا در ۱۳ آبان

۵۸ تحت شعار اشغال سفارت آمریکا شعار ترقی‌خواهانه مبارزه با امپریالیسم را از جنبش دانشجویی ایران بگیرند و سپس در بهار ۵۹ تحت عنوان انقلاب فرهنگی یا کودتای فرهنگی به قلع و قمع جنبش دانشجویی تا آنجا پرداختند که هادی غفاری با تانک وارد دانشگاه شمال کشور و احمد جنتی با طناب دار وارد دانشگاه جندی شاپور شد، که حاصل آن قلع و قمع همه جانبه جنبش دانشجویی همراه با تعطیلی دانشگاه شد، آنچنانکه جنبش دانشجویی ایران محصور در زندان‌ها و اردوگاه‌های خارج کشور یا در گورهای دست جمعی گورستان‌ها شدند تا اینکه حتی نسل کشی تابستان ۶۷ هم نتوانست این جنبش تاریخی ایران را از پای درآورد.

در تیرماه ۷۸ پس از اینکه مشاهده کردند که جناح به اصطلاح اصلاح طلب حاکمیت هم توان اصلاح نظام مطلقه فقهاتی را ندارند باز تمام قد وارد صحنه شدند،

هر چند در کوبیدن این جنبش در تیرماه ۷۸ تمامی جناح‌های رژیم هم دست و هم سوگند شدند، از خامنه‌ای تا خاتمی از حسن روحانی تا قالیباف و هاشمی رفسنجانی و... و شاید بعد از جنگ عراق تنها واقعه‌ای که همه جناح‌های رژیم مطلقه فقهاتی برای مقابله با آن هم دست شدند همین جنبش ۱۸ تیر ۷۸ بود و آنچنانکه در کوبیدن این جنبش رژیم مطلقه فقهاتی سفاکانه عمل کرد که حتی در مبارزه کاندیداتوری انتخابات خرداد ۹۲ قالیباف و روحانی که اولی در آن زمان فرمانده نیروی انتظامی بود و دومی در آن زمان رئیس شورای

امنیت ملی رژیم مطلقه فقهاتی بود به رسوا کردن همدیگر پرداختن و هر کدام تلاش می‌کرد تا گناه این جنایت را به گردن دیگری واگذارد، ولی هر چند مغولان کشتند و سوزاندن و ویران کردند ولی رفتند، اما این قصابان تیر ۷۸ نه تنها نرفتند بلکه چهار اسبه کوشیدند که این جنبش از بستر و آب‌شخور خود عقیم سازند. آنچنانکه ده سال بعد یعنی سال ۸۸ برای بار سوم به جان این جنبش تازه جان گرفته

افتادند به خیال اینکه این جنبش دیگر نابود شده است ولی از آنجائیکه درست در این زمان جنبش اجتماعی خرداد ۸۸ مانند آتش فشان ظهور کرد، این امر باعث شد تا رژیم مطلقه فقهاتی تا چشم باز کرد دید که راننده اصلی لوکوموتیو جنبش

۸۸ باز همان جنبش دانشجویی است که تمام قد در برابر رژیم مطلقه فقهاتی ایستاده است و رهبری جنبش را در دست گرفته است. اینچنین بود که کهریزک‌ها با بی رحمانه ترین شکنجه‌های تاریخ به استقبال جنبش دانشجویی آمد تا ریشه را در زمین بخشکانند و از این مرحله بود که جنبش دانشجویی ایران یکبار دیگر رشد خود را در زیر تیغ و شکنجه و خون از سر گرفت که محصول این رشد قیام خونین عاشورای ۸۸ بود که برای همیشه رژیم مطلقه فقهاتی را رسوای تاریخ کرد، قیامی که شعار محوری آن «مرگ بر اصل ولایت فقیه» بود همان

شعاری که شیشه عمر رژیم مطلقه فقهاتی را تشکیل می‌داد.

به این ترتیب بود که دیگر رژیم مطلقه فقهاتی کوشید تمامی حجاب‌های بر روی چهره خود را کنار بزند و عریان و برهنه برای حفظ شیشه عمر خود که اصل ولایت فقیه

است دست به کار شود و از آنجائیکه رژیم مطلقه فقهاتی به درستی می‌دانست که قیام عاشورای ۸۸ مولود جنبش دانشجویی ایران می‌باشد از ۹ دی ماه ۸۸ که یوم الله رژیم مطلقه فقهاتی شد به جنگ نامحدود و همه جنبه جنبش دانشجویی برای بار چهارم آمد، که هر چند در سه نبرد بهار ۵۹ تا تابستان ۶۷ و تیر ۷۸ و خرداد ۸۸ شکست خورد در نبرد بعد از عاشورا توانست در راستای به رکود کشانیدن جنبش دانشجویی موفقیت‌هایی حاصل نماید که توسط آن جنبش دانشجویی برای مدت سه سال در محاق رفت. البته علت اینک



رژیم مطلقه توانست در فاز چهارم حرکت ضد جنبش دانشجویی خود جهت به رکود کشاندن جنبش دانشجویی موفقیتی کسب نماید، این بود که شرایط ذهنی رکود جنبش دانشجویی - آنچنانکه قبلاً هم مطرح کردیم - توسط رکود جنبش سیاسی و جنبش اجتماعی و جنبش کارگری در آن زمان فراهم شده بود و از آنجائیکه هدایتگری جنبش اجتماعی ۸۸ در دست جنبش سبز بود طبیعی بود که جنبش دانشجویی ایران نمی‌توانست در این رابطه نقش هژمونیک خود را بر جنبش اجتماعی ۸۸ ادامه بدهد، در نتیجه رکود سه جنبش سیاسی و اجتماعی و کارگری در سال ۸۹ عامل اصلی رکود جنبش دانشجویی ایران شد که صد البته این جنبش در سال ۹۲ به موازات نزدیک شدن مرحله انتقال قدرت دولت دهم دوباره از خاکستر سال ۸۸ سر فراز بیرون آمد تا نقش تاریخی خود را یکبار دیگر به نمایش بگذارد.

ب - انتخابات خرداد ۹۲ و جنبش دانشجویی ایران: به موازات پایان دوران دولت دهم جنبش دانشجویی ایران که بزرگترین قتل کودتای انتخاباتی سال ۸۸ بود، رفته رفته با روشن شدن ماهیت دولت کودتایی دهم و افتادن آب در خانه مورچه حزب پادگانی خامنه‌ای و چهل تیکه شدن جریان به اصطلاح اصول‌گرایان حزب پادگانی خامنه‌ای و استحاله باند احمدی نژاد به جریان منحرفین جنبش دانشجویی شروع به باور کردن دوباره خود کرد، اما این جنبش در عرض چهار سال دولت دهم آنقدر مقررات عنکبوتی و اداری و فیلترهای تشکیلاتی دست و پای او را بسته بود که در مرحله اول پس از باور کردن دوباره خود کوشید جهت متلاشی کرد تشکیلات فیلترینگ اداری احمدی نژاد، دوباره به حمایت از آلترناتیو جریان به اصطلاح اصلاح‌طلبان به رهبری خاتمی بپردازد تا در جریان کاندیداتوری بین بد و بدتر جریان خاتمی جهت مقابله با جریان اصول‌گرایان رنگارنگ قرار دهد، اما پس از اینکه جنبش دانشجویی دریافت که خامنه‌ای حاضر نیست تا تن به مشارکت قدرت حتی با جریان خاتمی بدهد این جنبش به طرف هاشمی رفسنجانی رفت و زمانیکه دریافت که خامنه‌ای حتی حاضر به قبول هاشمی رفسنجانی جهت مشارکت در قدرت نیست پس از استعفای عارف - که به نفع حسن روحانی کنار رفت - مجبور شدن این بار حسن روحانی را به عنوان نماینده جریان خاتمی و هاشمی رفسنجانی که هر دو تمام قد به حمایت از او پرداختند حمایت کند تا شاید او بتواند با نظام عنکبوتی فیلترینگ اداری، دانشگاه‌ها را با تعویض سرانگشتان وابسته به آن جریان که در سمت‌های کلیدی دانشگاه‌ها قرار داشتند مقابله کنند. اما زمانی که در جریان رای اعتماد نمایندگان به کابینه پیشنهادی روحانی با اینکه از تمامی اعضای پیشنهادی کابینه بر علیه جنبش سبز و جنبش اصلاحات خاتمی اعتراف گرفتند و همه اعضا توبه نامه خود را نسبت به قیام سال ۸۸ برای بارها خواندند، با همه این احوال آنچنان خامنه‌ای در انتقام از جریان‌های قیام ۸۸ مصمم بود که سرانگشتان اجرائی او در مجلس به این حداقل‌های کابینه روحانی هم رحم نکردند و لذا دو کرسی کلیدی جنبش دانشجویی و جنبش دانش‌آموزی که پیشنهاد روحانی برای وزارت علوم - جعفر میلی منفرد - بود و آموزش و پرورش - محمد علی نجفی - که اولی ۱۶۲ رای مخالف داشت و دومی ۱۳۳ رای مخالف، نتوانستند رای اعتماد از مجلس بگیرند، بدین ترتیب دو وزارتخانه فوق بدون وزیر شدند در نتیجه برای روحانی جهت جلب نظر دانشجویان راهی جز این نماند که از توفیقی جهت سرپرستی وزارتخانه علوم استفاده کند. به این ترتیب بود که فوراً سرانگشتان حزب پادگانی خامنه‌ای در مجلس طرحی دو فوریتی جهت ایجاد محدودیت برای توفیقی به مجلس بردند که البته یک فوریت آن به تصویب رسید که

با این عمل اولاً به روحانی این هشدار را دادند که توفیقی نباید به مجلس جهت وزیر علوم معرفی شود، در ثانی کرسی وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش مانند کرسی وزارت کشور و ارشاد و دادگستری و اطلاعات و دفاع باید زیر تیول و بلیط آن‌ها باشد و گرنه دوباره رای اعتماد به او نخواهند داد و در همین رابطه حزب پادگانی خامنه‌ای پس از برکناری شریعتی از دانشگاه طباطبائی و رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان فریاد و اسلاما بلند کردند تا به هر شکل شده توفیقی نتواند تغییرات مورد خواسته جنبش دانشجویی را عملی کند. لذا در مهرماه ۹۲ در شرایطی دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان و اساتید کره کلاس‌ها را برای سال جدید تحصیلی بالا می‌کشند که هیچ امیدی نسبت به تغییر ساختاری در دانشگاه توسط دولت یازدهم وجود ندارد و سرانگشتان حزب پادگانی مقام عظمای ولایت در مجلس خود را آماده کرده‌اند تا به هر قیمتی که شده از این دو سنگر جهت آخرین خاکریز خود دفاع نمایند و این مساله زمانی بیشتر سرانگشتان خامنه‌ای را جری کرد که آن‌ها نه تنها در انتخابات ۲۴ خرداد دولت یازدهم شکست خوردند، در انتخابات شوراها که در راس آن‌ها شورای شهر تهران قرار دارد، قدرت را به حریف واگذار کردند. طبیعی است که با شهردار شدن محسن هاشمی شرایط برای انتخابات مجلس دهم سخت‌تر می‌شود در همین رابطه این جریان حضور خود در مجلس را دوران گذار احساس می‌کند و به هر شکل که شده سعی می‌کند از این دو کرسی قدرت برای انتخابات آینده استفاده کند، طبیعی است که بزرگترین مشکل دانشجویان در سال تحصیلی ۹۲ - ۹۳ مقابله کردن با ساختار اداری و فیلترینگ حزب پادگانی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها است، که البته در این راستا نکته‌ای که در همین جا با دانشجویان باید در میان گذاشت اینک تا زمانیکه پس از یک رکود سه ساله جنبش دانشجویی خود را باور نکند امکان کسب حقوق از دست رفته خود، برایش وجود ندارد چراکه تنها با باور خود است که این جنبش می‌تواند هویت نو و بالنده پیدا کند و همراه با شناخت جایگاه خود بتواند در بستر مبارزه پی‌گیر خود، حقوق از دست رفته خود را دوباره کسب نماید و به حاکمیت این حقیقت را تحمیل نماید که فعالیت سیاسی در دانشگاه جزو حقوق اولیه دانشجویان می‌باشد و این حق در هیچ شرایطی قابل گرفتن از دانشجویان نیست.

لذا جنبش دانشجویی فعالیت صنفی خود را باید در بستر فعالیت سیاسی خود اخذ نماید نه بالعکس، در این رابطه است که جنبش دانشجویی ایران باید به این حقیقت تاریخی واقف بشود که مبارزه ۶۰ سال تاریخ گذشته او نشان داده است که جنبش دانشجویی ایران شاه کلید و لوکوموتیو جنبش‌های دیگر ایران اعم از جنبش اجتماعی، جنبش دموکراتیک و حتی جنبش کارگری ایران می‌باشد و تاریخ ۶۰ ساله گذشته این جنبش نشان داده است که بیشترین هزینه استارت جنبش‌های دیگر ایران را جنبش دانشجویی پرداخت کرده است، به این خاطر این جنبش بیش از تمامی جریان‌های سیاسی و تشکیلاتی در زیر پرس نهادهای قدرت قرار داشته است.

باشد که سال تحصیلی ۹۲ - ۹۳ بر دانشجویان و دانش‌آموزان ما مبارک باشد و در این سال ما یکبار دیگر شاهد بالندگی این جنبش پیشگام ملت ایران باشیم. ♣

پایان

طبیعت و متعالی بودن عالم ارواح و اصل بقاء روحی انسان و زنده شدن روحی انسان در عالم معاد و اصل غیر این جهانی بودن عالم ارواح و عالم معاد استوار بود - وحی و قرآن و پیامبر اسلام برای تبیین قیامت پیوسته از طبیعت و ماده و هستی شروع می‌کند و هرگز در هیچ جای قرآن حتی برای یکبار پیامبر اسلام به تاسی از فلسفه یونانی، قیامت و آخرت را در کانتکس روح و فلسفه یونانی تبیین نکرده است؟

سوال سوم: چرا اسلام قرآنی و وحی و پیامبر اسلام که نهضت خود را در ادامه تسلسل نهضت ابراهیمی و در راس آن‌ها حرکت خود را استمرار حرکت ابراهیم و موسی و عیسی می‌دانست، در عرصه موضوع قیامت برخورداردی غیر از اسلاف گذشته خود داشته است؟

سوال چهارم: چرا قرآن و وحی و پیامبر اسلام و اسلام قرآنی در طرح قیامت و آخرت موضوع تبیین آخرت از موضوع تشریح و موضوع تکوین و موضوع تبلیغ آخرت منفک کرده‌اند؟

توضیح اینکه قرآن موضوع آخرت را در چهار ساحت مختلف مطرح می‌کند یا به عبارت دیگر قرآن در طرح موضوع آخرت به صورت چهار مؤلفه‌ای بر خورد می‌کند:

۱ - مؤلفه اول موضوع تکوین قیامت است که قرآن به جای اینکه مانند گذشته و عصر خود بر روح و تجرید روح و بقاء روح تکیه کند، تکوین قیامت و آخرت را در ادامه همین جهان مطرح می‌کند به صورت: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ - وَإِذَا النُّجُومُ انْكَرَتْ - وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ - وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ - وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ - وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ - قیامت روزی است که همین خورشیدی که شما آن را می‌بینید در همین جهان در هم پیچیده می‌شود - قیامت آن روزی اتفاق می‌افتد که همین ستارگانی که شما آن را می‌بینید تیره می‌شوند - قیامت آن روزی است که در همین کره زمین همین کوه‌هایی که می‌بینید به راه می‌افتند و جابجا می‌شوند - قیامت روزی است که همین شترهای آبیستن ده ماهه که برای شما اینقدر عزیز است و همه زندگی و سرمایه شما عرب بادیه نشین عربستان تشکیل می‌دهند و از فرزندانانتان بیشتر به آن علاقه دارید در همین کره زمین و در همین عربستان و مکه بی صاحب رها می‌شوند - قیامت روزی است که در همین کره زمین حیوانات وحشی گرد هم می‌آیند - قیامت روزی است که دریا‌های همین کره زمین بر افروخته می‌شود» (آیات ۱ الی ۶ - سوره تکویر).

بنابراین در همه جای قرآن زمانی که می‌خواهد در باره چگونگی تکوین قیامت صحبت بکند با صراحت و وضوح اعلام می‌کند که قیامت در همین کره زمین اتفاق می‌افتد و در ادامه قانونمند حرکت طبیعی این جهان حاصل می‌شود و موضوعی است که علاوه بر آنکه تکوین آن این جهانی و قانونمند و طبیعی می‌باشد در آینده اتفاق می‌افتد و از گذشته مهیا نشده است. همچنین این قیامت ابتدا با تحولات کیفی در همین طبیعت عینی و ابژکتیو و قانونمند شروع می‌شود و به مرحله تجسم اعمال انسان می‌رسد و لذا در این رابطه است که در قرآن در طرح نام‌های قیامت حتی برای یک بار هم اصطلاح یا واژه معاد که امروز اینقدر در اسلام فقاهتی و روایتی و ولایتی و شفاعتی و زیارتی باب شده نیامده است، چراکه معاد

۱. توضیح اینکه هر چند ابراهیم و موسی و عیسی به قیامت اعتقاد داشتند و موضوع آخرت را مطرح کرده‌اند اما طرح آخرت در دیسکورس و حیثیاتی آن‌ها با طرح آخرت در دیسکورس قرآن کاملاً متفاوت می‌باشد، به این دلیل که اولاً در دیسکورس قرآن به خصوص در حرکت ۱۳ ساله مکی پیامبر اسلام، قیامت و آخرت در متن مطرح شده نه در حاشیه، ثانیاً به صورت یک اصل در کنار اصل توحید مطرح شده است، ثالثاً بستر ساز دعوت ۲۳ ساله پیامبر اسلام می‌باشد، رابعاً آخرت و قیامت قرآن و پیامبر اسلام یک قیامتی است که : الف - در ادامه این طبیعت می‌باشد، ب- در همین جهان و توسط تحولات کیفی و قانونمند این جهان بوجود می‌آید، ج - از قبل در آسمان‌ها تکوین نیافته است، د- ماهیتی انسانی و بشری دارد نه دینی و مسلمانی و شیعی، ه- جوهر سزا و پاداش آن خود عمل تجسم یافته انسان‌ها می‌باشد نه باز جوئی و شکنجه و...

معنای حرکت به عقب و گذشته دارد در صورتی که قیامت از نظر قرآن حرکتی رو به پیش است که در آینده اتفاق می‌افتد. البته آنجائی هم که قرآن واژه «ثَوَعْدُونَ» به کار می‌برد تکیه به بستر ساز بودن عمل دنیائی انسان در آخرت دارد که باعث می‌شود که در قیامت با تجسم یافتن همین عمل گذشته انسان به صورت طبیعی در قیامت، در بهشت و جهنم عمل گذشته خود زندگی کند که معنای این حرف اصلاً معاد یا برگشت به گذشته نیست، قیامت حرکتی به پیش است که بوسیله تحولات همین طبیعت عینی و ابژکتیو اتفاق می‌افتد.

۲ - مؤلفه دوم تبیین فلسفی قیامت و آخرت است که آنچنانکه فوقاً مطرح شد قرآن به قیامت و آخرت به صورت معاد یا برگشت به گذشته نگاه نمی‌کند بلکه برعکس، تحولی در آینده می‌داند که از آنجائیکه که این تحول در آینده به صورت قانونمند در ظرف همین طبیعت کره زمین اتفاق می‌افتد، قرآن در تبیین فلسفی قیامت بر اصل تکامل در عرصه جهان وجود و طبیعت و انسان تکیه می‌کند و توسط آن عبث نبودن این جهان را در کانتکس اصل تکامل وجود، تبیین می‌کند. به عبارت دیگر قرآن در تبیین فلسفی اصل قیامت و آخرت،

اولاً سعی می‌کند به خود جهان و طبیعت برگردد نه به صورت بحث کلامی بخواهد مانند متکلمین در کانتکس یک تبیین مجرد و ذهنی به تعریف و تبیین آخرت بپردازد،

پدر ثانی با تبیین و تشریح اصل تکامل در همین طبیعت ابژکتیو و عینی به تبیین اصل تکامل انسانی و اجتماعی برسد،

ثالثاً در چارچوب همین اصل تکامل انسانی و اجتماعی منتج شده از تکامل طبیعت قرآن می‌کوشد در تبیین فلسفی قیامت هدفدار بودن و عبث نبودن و پوچ نبودن خلقت و انسان را مطرح کند. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» - آیا فکر می‌کنید خلقت شما عبث و بیپوده است و به جانب ما نمی‌آیند؟» (آیه ۱۱۵ - سوره مومنون).

۳ - مؤلفه سوم تشریح ساختاری قیامت: از آنجائیکه قیامت از نظر قرآن محصولی است در ادامه تکامل طبیعی همین جهان طبیعی که در آینده در بستر تکامل همین طبیعت حاصل می‌شود و خود میوه و محصول همین تکامل طبیعت و انسان و جامعه می‌باشد، لذا قرآن در تشریح اصل قیامت و آخرت با عنایت به اینکه کلاً از زاویه انسان به آخرت و قیامت نگاه می‌کند (هر چند در تکوین قیامت از زاویه طبیعت و تکامل طبیعت به قیامت نگاه می‌کند) باعث شده که در تشریح قیامت به جای تکیه بر روح و بقاء روح (آنچنانکه متکلمین و فلاسفه و اسلام روایتی و فقاهتی و شفاعتی می‌گویند) و به جای طرح این سوال‌های انحرافی که آیا در قیامت معاد روحانی است یا معاد جسمانی؟، اصلاً خودش را درگیر این بحث‌های اسکولاستیکی نمی‌کند بلکه برعکس، برای تشریح قیامت اصل تجسم عمل، جایگزین اصل معاد روحانی و معاد جسمانی اسلام شفاعتی و اسلام روایتی و اسلام کلامی می‌کند قیامت را در عمل و حرکت انسان‌ها نگاه کند نه مجرد از انسان و عمل و به همین ترتیب است که قرآن در تشریح قیامت،

اولاً بر اصل تجسم اعمال به جای تجسم روح و تجسم جسم انسان تکیه می‌کند،

در ثانی این عمل تجسم یافته است که از نظر قرآن برای انسان بهشت و جهنم می‌سازد نه اینکه بهشت و جهنم مکانی است از پیش آمده که فرد وارد آن می‌شود،

در ثالث تنها عامل تعیین کننده خوبی و بدی عمل خود عمل انسان است

۲. به همین دلیل است که برعکس آنچه اسلام شفاعتی معتقد است، پیامبر اسلام به دخترش فاطمه می‌گوید: «ای فاطمه برای فردای قیامت خودت، خودت خوب عمل کن که من برای تو هیچکاری نمی‌توانم بکنم» یا برعکس آنچه اسلام روایتی و اسلام کلامی و اسلام فقاهتی و اسلام زیارتی و اسلام شفاعتی و اسلام ولایتی در باب قیامت اعتقاد دارد، زمانی که از پیامبر اسلام در باب تشریح قیامت سوال می‌کنند پیامبر در جواب می‌گوید: «من خودم قیامتم».

رابعاً در آخرت هر کس خود عمل است نه یک ذره بیش و نه یک ذره کم. «...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ...» - قیامت روزی است که هر کس می‌بیند اعمالی که از قبل انجام داده (در اینجا به کلمه «می‌بیند» عنایت بشود) (آیه ۴۰ - سوره نباء).

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ - وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» - قیامت روزی است که هر کس یک ذره عمل انجام شده خیر و شر خود را می‌بیند (باز هم در اینجا به کلمه «می‌بیند» توجه بیشتر بشود) (آیات ۷ و ۸ - سوره زلزله).

مولوی در همین رابطه در مثنوی چاپ نیکلسون دفتر چهارم صفحه ۶۴۵ سطر ۸ به بعد می‌گوید:

حق همی گوید که دیوار بهشت	نیست چون دیوارها بیجان و زشت
چون در و دیوار تن با آگهیست	زنده باشد خانه چون شاهنشیست
هم درخت و میوه هم آب زلال	با بهشتی در حدیث و در مقال
زانک جنت را نه زالت بسته‌اند	بلکه از اعمال و نیت بسته‌اند
این بنا ز آب و گل مرده بدست	و آن بنا از طاعت زنده شدست
این به اصل خویش ماند پر خلل	و آن به اصل خود که علمست و عمل

۴ - مؤلفه چهارم قیامت تبلیغی: برعکس مؤلفه‌های تبیینی و تکوینی و تشریحی قیامت که قرآن می‌توانست خارج از دیسکورس و ادبیات جهانی و منطقه‌ای و محلی عصر خودش در چارچوب ادبیات خاص خودش در باب آن صحبت کند (هر چند که حتی عصر و زمان خود او توان فهم و درک آن را نداشتند) در خصوص اصل قیامت تبلیغی که همان مؤلفه چهارم قیامت می‌باشد توان طرح آن در خارج از دیسکورس محلی و منطقه‌ای و جهانی را نداشت، چراکه به علت اینکه آن‌ها توان فهم و درک آن را نداشتند، اصلاً طرح اصل قیامت بدون عملکرد و فونکسیون می‌شد که معنا و مفهوم این موضوع آن بود که پیامبر پیش از آنکه یک پیامبر باشد، می‌شد یک روشنفکر و فیلسوف، چراکه حرفی می‌زد که مخاطب او نمی‌فهمید و به علت عدم فهم حرفش او مجبور بود عمل به پیامش به آینده‌ها موکول کند که بعداً می‌آیند و بعداً حرف او را می‌فهمند و بعداً حرف او را هم عمل می‌کنند، این نشد پیامبری. بنابراین پیامبر اسلام مجبور بوده تا در عرصه قیامت تبلیغی برای اینکه بتواند این اصل در مخاطب عصر خودش متمرکز شود با زبان و ادبیات خود آن‌ها صحبت بگوید (کلم الناس علی قدر عقولهم) در این رابطه سخت‌ترین کار قرآن و وحی و پیامبر در این قسمت بوده است، چراکه محدود کردن اصل قیامت با آن همه بار معنا در چارچوب دیسکورس و ادبیات بیابانگردهای جاهلی عربستان که جز شراب و شهوت و خوراکی و آب و باغ و خنکی و سکس هیچ زیبایی و لذتی در جهان نمی‌شناختند و جز با شتر و تجارت و بیابان و کاروان جنگ و خونریزی سر و کاری نداشته‌اند، ملتی که به خاطر چرای یک شتر در مرتع دیگری گاه‌ها چهل سال با هم می‌جنگیدند و خون خود را می‌ریختند، به همین دلیل وحی و قرآن و پیامبر مجبور بوده برای اینکه بتواند دعوت خود را پیش ببرد در عرصه قیامت تبلیغی موضوع قیامت را در این ظرف بریزد. در این رابطه است که آن حجم از معنای قیامت در عرصه قیامت تبلیغی در ظرف کلمات «گأس، آباریق، اُكُوَاب» (ظروفی که اعراب در آن شراب می‌خوردند) و «شَرَابًا»، «كَافُورًا»، «زَنْجَبِيلًا»، «سَاقِي» و «حُورٌ عِينٌ» (دختران چشم درشت)، «رَحِيقٌ» (شراب)، «مَخْتُومٌ» (علامت روی بطری شراب)، «بَرْدٌ» (خنکی)، «حَمِيمٌ» و «عَسَاقٌ» و «مَفَازٌ» و «حَدَائِقٌ» (باغچه)، «أَعْنَابًا» (تاک)، «وَكُوَاعِبٌ أَنْزَابًا» (زنان پستان بر آمده جوان)، «وَكَاَسًا دِهَاقًا» (جام‌های شراب لبریز شده)، «وَلَحْمٌ طَيْرٌ» (گوشت مرغ)، «وَفَاقِهَةٌ كَثِيرَةٌ» (میوه فراوان)، «سِدْرٌ مَخْضُودٌ» (درختان سدر بدون خار)، «جَنَاتُ النَّعِيمِ» (باغ‌های پر نعمت)، «سُرُرٌ مَوْضُونَةٌ» (تخت‌های به هم پیوسته)، «طَلْحٌ مَنضُودٌ» (میوه‌های موز روی هم چیده)، «وَوَلَّيْلٌ مَمْنُودٌ» (سایه‌های گسترده)، «وَوَفْرٌشٌ مَرْفُوعَةٌ» -

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا» (دوشیزه‌های قد بلند باکره) و... بریزد.

به هر حال سخت‌ترین کار قرآن و وحی و پیامبر در عرصه طرح و بیان قیامت تبلیغی بوده است، زیرا توسط آن مجبور بوده که در کانتکس ادبیات عرب بادیه نشین^۲ صحبت کند.

حال پس از طرح مقدمه فوق که به صورت چند سوال مطرح شد، می‌پردازیم به شرح تفسیر سوره نباء.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ - عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ - الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ - كَلَّا سَيَعْلَمُونَ - ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ - أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا - وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا - وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا - وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا - وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا - وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا - وَبَيَّنَّا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا - وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا - وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَابًا - لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا - وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا» - به نام خداوندی که در این جهان بر همه انسان‌ها رحمت دارد ولی در آخرت فقط به هدایت شده‌ها - این مردم مکه از چه خبر مهمی با هم گفتگو و سوال می‌کنند - از آن خبر تکان دهنده و مهم - آن خبر مهمی که خود آن‌ها در باره آن با هم به جدل و اختلاف افتاده‌اند - این چنین نیست که منکرین آن‌ها در باب این خبر بزرگ می‌گویند چراکه بزودی خواهند فهمید که چنان نیست که منکران می‌پندارند - البته به زودی این حقیقت را خواهند فهمید - آیا ما زمین را برای شما مهد آسایش نکردیم - و کوه‌ها را در این زمین میخ‌هایی نساختمیم - و شما را به صورت جفت نیافریدیم - و خواب را برای شما مایه آرامش نساختمیم - و شب را پوششی برای شما قرار ندادیم - روز را وسیله معیشت شما قرار ندادیم - و بر فراز آن هفت آسمان محکم قرار ندادیم - و از خورشید برای شما چراغی درخشان بر نیفرودختیم - و از تراکم ابرها برای شما آب فرستادیم - تا بدان آب‌ها دانه و گیاه بروید و باغ‌های پر درخت بر پا شود».

شرح چند لغت:

۱- کلمه عم مخفف عن ما می‌باشد که به معنای «از چه؟» است، ۲- کلمه نباء به معنای خبر بی سابقه و تکان دهنده است، ۳- مهاده جمع مهد به معنای گهواره، ۴- اوتاد جمع وتد به معنای میخ است، ۵- ازواج جمع زوج یکی از دو جفت انسان و یا حیوان و یا گیاه می‌باشد، ۵- کلمه سبات هم به معنای راحتی و فراغت است و هم به معنای قطع و مرگ، ۶- کلمه عیش بطوریکه راغب می‌گوید به معنای زندگی است، ۷- کلمه وهاج به معنای چیزی است که نور و حرارت شدیدی داشته باشد، ۸- کلمه معصرات هم به معنای ابرهای بارنده است و هم به معنای بادهایی است که ابرها را در هم می‌فشارد تا ببارند، ۹- کلمه میقات از ماده وقت است همچنانکه کلمه میعاد از ماده وعد است و کلمه مقدار از ماده قدر گرفته شده است که به معنای آخرین لحظه از مدتی است که برای حدوث امری از امور معین شده است، ۱۰- الفاف جمع لف و لف جمع لفاء به معنای بسیار به هم پیچیده می‌باشد، ۱۱- تجاج سیل آسا ۱۲- شداد - جمع شدید به معنای نیرومند است.

«عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ - عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ»:

از آنجائیکه که این سوره از نظر مفسرین تماماً در مکه نازل شده است، با عنایت به اینکه مدت زمان حضور پیامبر اسلام در مکه ۱۳ سال بوده از محتوی و مضمون و سرفصل سوره اینچنین استنباط می‌شود که این سوره در سال‌های آغازین بعد از بعثت پیامبر نازل شده باشد، چراکه در سرفصل این سوره سخن از یک خبر عظیمی می‌کند که مردم مکه و بادیه را از

۳. روزی نادر شاه افشار پای منبر یکی از آخوندها نشسته بود و آن آخوند بالای منبر در حالیکه لب و لوجه‌اش خیس شده بود داشت از نعمت‌های داخل بهشت می‌گفت، نادر وسط صحبت آن آخوند بالای منبر بلند شد و گفت: «مرد حسابی این بهشتی که تو داری از آن صحبت می‌کنی به درد خودت می‌خورد به من بگو آیا در آن بهشت اسب و شمشیر هست یا نه، اگر نیست من نه می‌خواهم و نه وارد آن می‌شوم».

۴. که جز سایه، باغ، نهر، سکس، شراب، خوراک و... تفریح و لذت و زیبایی نمی‌شناخته و جز گرسنه گی و بیابان سوزان و آفتاب استخوان سوز زمین‌های خشک و شکم‌های گرسنه فهم نمی‌کرده.

بالا تا پائین سوال‌دار کرده است، بطوریکه به صورت گفت‌وگو روز مکه و بادیه شده همه در خلوت و جلوت در باب این خبر بزرگ از یکدیگر پرسش می‌کنند و سعی می‌کنند در این رابطه کسب اطلاعات بیشتر کنند. آن خبر مهم چیست که همه را به هم ریخته؟ هر چه باشد این خبر جای هیچ شکی نیست که آبشخور این خبر غار حرا و جبل النور و یتیم عبدالله است که با عصای وحی فلک را سقف بشکافته و طرحی نو در انداخته است. البته بین مفسرین در این باب اختلاف است،

بعضی می‌گویند خبر عظیم همان خبر بقاء و رستاخیز بزرگ است، چراکه خبر توحید و نبوت در دعوت پیامبران قبل از محمد سابقه داشته است و اذهان مردم مکه به آن آشنا بوده است، ولی اینگونه خبر به آینده انسان و مسیر او و مراحل و مواقعی که در پیش دارد و تحول عمومی جهان و پیشامد قیامت با نشانی‌ها و خصوصیات پیوسته‌ای که در وحی محمد آمده تا کنون سابقه نداشته است، در نتیجه این «نبأ عظیمی» که شهر مکه را به هم ریخته است همین خبر قیامت است.

بعضی دیگر می‌گویند این خبر عظیم که همه را به هم ریخته خبر عظیم بعثت یتیم عبدالله است.

بعضی دیگر می‌گویند «نبأ عظیم»، وحی محمد است که بعداً قرآنش نامیدند.

بعضی دیگر معتقدند «نبأ عظیم» عبارت است از عقایدی چون اثبات صانع و صفات او بوده است.

به هر حال اگر به همه این برداشت‌های مفسرین قرآن از «نبأ عظیم» و این خبر بزرگ توجه کنیم متوجه می‌شویم که جوهر همه این برداشت‌ها مشترک می‌باشد، چراکه، چه ما این «نبأ عظیم» را خبر قیامت بدانیم و چه ما آن را قرآن بدانیم و چه خبر بعثت و چه خبر صانع و توحید، همه این‌ها از یک آبشخور حاصل می‌شود که آن آبشخور همان وحی محمد است که مانند سیل از غار حرا سرازیر شده است و همه را در هم نوردیده است و امروز این وحی و نور مانند منشوری شده که هر کس از زاویه‌ای به آن نگاه می‌کند و به لُرز می‌افتد.

یکی از منشور توحید و شعار لا اله الا الله به آن نگاه می‌کند و همه حیات و مکنات و ثروت و قدرت دار‌الدنوه خود را در خطر می‌بیند، دیگری از زاویه قیامت به آن نگاه می‌کند و حیات این جهان که اینقدر به آن وابسته شده بود در خطر می‌بیند و سومی از زاویه پتانسیلی که یتیم گمنام عبدالله با این نور حرا پیدا کرده است مشاهده می‌کند، غرق در حیرت و تعجب می‌شود. علیهذا هم قیامت و هم توحید و هم نبوت و... همه در این نور وحی نهفته است که همه را به تعجب وادار کرده است. بنابراین «نبأ عظیم» وحی محمد است که امروز طرحی نو در جهان قرن هفتم بشر در انداخته و ترسیمی نو از جهان آغاز کرده، ترسیمی که نه توصیف بلکه خود تغییر است. آنچنان تغییری که به قول جواهر لعل نهرو «در کمتر از نیم قرن نه تنها نقشه جغرافیای زمین را عوض کرد بلکه نقشه سیاسی و نقشه تمدن‌های بشریت را هم تغییر داد» و با سرمایه دو روستای کوچک به نام مکه و مدینه در بادیه و صحرائی خشک که علف از روئیدن در آن شرم دارد، در میان افرادی که از حداقل سواد محروم بودند و با فقر مطلق اقتصادی و فرهنگی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کردند، توانستن برای همیشه بشریت روشنائی و راه و هدف و آرمان بسازند. پس، این خبر بزرگ وحی محمد است که بشریت را در قرن هفتم در آستانه پارادایمی جدید از حیات تاریخی قرار داده است و به همین دلیل است که از بعد از این، آیه می‌فرماید:

«الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ - كَلَّا سَيَعْلَمُونَ - ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»:

گرچه در باب فهم این وحی بین آن‌ها اختلاف افتاده و هر کدام از زوایه‌ای این پدیده را می‌بیند و نقد می‌کنند، ولی بزودی زود همه این‌ها در همین دنیا خواهند فهمید که برداشتی غلط از این نور حرا داشته‌اند. حال پس از اینکه خود وحی از وحی در این آیات دفاع کرد و آینده‌ای روشن برای محمد ترسیم کرد و به محمد این امید را داد که پیروزی تو قطعی است،

به این ترتیب است که در ادامه آن سوتی‌تر اخطاری که فوقاً مطرح شد قرآن در ادامه آن به تبیین نظری آن اصل عملی می‌پردازد و البته برای تبیین نظری اصل عملی فوق مانند فلاسفه و متکلمین به سمت صغرا و کبری کلامی و نظری و ذهنی نمی‌رود بلکه یک راست به طرف طبیعت می‌رود که این خود زلزله بزرگ در اندیشه بشریت می‌باشد که یتیم عبدالله با سلاح وحی از سرگرفته است، چراکه این برای اولین بار است که در تبیین اندیشه، به جای مراجعه ذهنی و لفظی به دنیای نظری پیامبر اسلام یک راست دست بشریت را می‌گیرد و به طبیعتی که خود مشاهده گر آن است می‌آورد که معنای این عمل محمد آن است که همه راه‌های شناخت و تغییر از واقعیت بر می‌خیزد، یعنی تا بشریت و جامعه واقع‌گرا نشود توسط خیالبافی‌های نظری نمی‌توان راه به جایی برد و برای همین است که علامه اقبال لاهوری در قرن بیستم، ۱۴۰۰ سال بعد از پیامبر اسلام زمانی که در کتاب بازسازی فکر دینی خود می‌خواهد بشریت را دعوت به راهی نو بکند باز او در آغاز این کتاب دوباره بشریت و مسلمانان قرن بیستم را دعوت به توجه به طبیعت می‌کند، چراکه معتقد است که عامل بدبختی مسلمانان و بشریت، حاکمیت متد صوری طبیعت‌گرایان است و تنها راه نجات مسلمانان جایگزینی متد استقرائی به جای متد صوری ارسطویی است و این جایگزینی برای بشریت اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه دوباره متد صوری اسلام فلسفی ارسطویی و اسلام فقاهتی و اسلام کلامی رها کنیم و به طبیعت برگردیم. بنابراین در این رابطه محمد برای اینکه متد استقرائی و توجه به طبیعت را جایگزین متد صوری حاکم بر اندیشه بشریت در قرن هفتم بکند، به طبیعت بر می‌گردد تا متدولوژی بشریت را دچار تحول بکند:

«الْم نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهَادًا - وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا - وَخَلَقْنَاكُمْ أَرْوَاجًا - وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا - وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا - وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا - وَبَدَّلْنَا بِكُمْ سَبِيحًا شَدِيدًا - وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا - وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا - لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا - وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا»

ما در تفسیر این آیات برای اینکه مانند اسلام انطباقی بازرگانی گرفتار ورطه تشریحات علمی سیانتیستی قرن نوزدهم نشویم همین مقدار بسنده می‌کنیم که:

۱ - در این آیات تکیه بر مطالعه و توجه به طبیعت شده است، آن هم به شکل کلی.

۲ - طرح اشکالی از طبیعت در اینجا تنها به خاطر در دسترس همگانی بودن است، بطوریکه همه انسان‌ها در هر سطح معلومات که باشند می‌توانند زمین را ببینند و یا کوه را بشناسند و زوج را فهم کنند، شب و روز را بشناسند و باران و گیاه را فهم کنند.

بنابراین طرح این انواع فقط به عنوان نمونه بوده و پیام اصلی طرح این‌ها هم آنچنانکه مطرح کردیم توجه دادن بشریت به مطالعه طبیعت و دور شدن از متد صوری و ذهن‌گرایانه ارسطویی است، همان حقیقتی که از زمان بیکن، اروپا به آن توجه کرد و توانست بنیان رنسانس اروپا را پایه‌گذاری نماید. به عبارت دیگر بستر ساز رنسانس اروپا چیزی نبود جز همین تغییر متد از ذهن‌گرایی صوری ارسطویی به واقعیت استقرائی. نکته‌ای که در تفسیر قرآن نباید از نظر دور بداریم این است که قرآن کتاب هدایت است نه کتاب کیهان‌شناسی یا فیزیولوژی و بیولوژی، بنابراین آن برداشتی از قرآن صحیح است که بتواند انسانیت را به طرف جلو هدایت نماید، اینکه بخواهیم به تاسی از «رشاد خلیفه» توسط کامپیوتر ثابت کنیم که هم تعداد حروف قرآن و هم تعداد کلمات قرآن و هم تعداد آیات قرآن و هم تعداد سوره‌های قرآن ضریب عدد ۱۹ می‌باشد، یا مانند مرحوم طالقانی می‌فرماید: «... پس برای فهم آیات قرآن باید پیوسته آیات قرآن را در کانتکس این آیه تفسیر کنیم: «... وَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»

۵. چراکه باعث می‌شود که محتوای پیام، قربانی قالب‌گرایی انطباقی علمی قرن نوزدهم بشود.

- ای محمد ما قرآن را بر تو نازل کردیم در حالیکه بیانی روشن برای هر چیز و هدایت و رحمت و بشارت برای تسلیم شدگان است» (آیه ۸۹ - سوره نحل)

«إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا - يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا - وَفُتِحَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا - وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا - إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا - لِلطَّاغِينَ مَابًا - لَا يَبْقَيْنَ فِيهَا أَحْقَابًا - لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا - إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا - جَزَاءً وَفَاقًا - إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا - وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا - وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا - فَذُوقُوا فَلَنْ نَرِيَكُمْ إِلَّا عَذَابًا - إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا - حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا - وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا - وَكَأَسَا دِهَاقًا - لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا - جَزَاءً مِمَّنْ رَزَقَهُ عَطَاءً حِسَابًا - رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا - يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا - ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَابًا - إِنَّا أَنْزَلْنَاكَم عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاةُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا - همانا روز فصل وعده همه انسان‌ها است - آن روزی که در صور دمیده می‌شود تا شما فوج فوج روی آورید - و آسمان گشوده شود پس درهای متعددی از آن باز شود - و کوه‌ها به حرکت درآید و مانند سراب شود - جهنم همانا کمینگاهی بوده است - برای سرکشان و ستمگران است - درنگ کنندگان در آن سال‌های دراز - نه خنکی در آن می‌چشند و نه آشامیدنی - مگر آبی جوشان و چرک آلود - پاداشی است سازگار با آن‌ها - زیرا آنها به روز حساب امید نداشتند - و آیات ما را سخت تکذیب کردند - و حال آنکه هر چیزی را ما در کتاب شماره و رقم کردیم - پس بچشید که هرگز بر شما چیزی جز رنج و عذاب نیفزائیم - برای متقین پیروزی است - باغ‌هایی سر سبز و انواعی از انگورها - همسرانی هم سال - جامی لبریز - هرگز سخن بیهوده و دروغ نشنوند - پاداشی است از سوی پروردگارت - همان پروردگاری که آسمان‌ها و زمین بیافرید - روزی که آن روح و فرشتگان در حالی که به صف درآمده قیام کنند و هیچ کس سخن نگوید جز آن کس که خدای مهربانش اذن دهد و او سخن به صواب گوید - چنین روزی محقق خواهد شد پس هر که می‌خواهد نزد خدای خود مقام و منزلتی یابد - ما شما را از روز عذاب که نزدیک است ترسانیده و آگاه ساختیم روزی که هر کس هر چه کرده در پیش روی خود حاضر بیند و کافر در آن روز آرزو می‌کند که ای کاش من خاک بودم».

در تفسیر آیات فوق موارد ذیل قابل ذکر است:

- ۱ - قیامت به عنوان یک واقعیت از دل همین طبیعت بوجود می‌آید،
- ۲ - قیامت در آینده اتفاق می‌افتد نه در گذشته شکل گرفته است،
- ۳ - قیامت محصول عمل افراد است،
- ۴ - قیامت هر فرد متفاوت می‌باشد،
- ۵ - هیچکس نمی‌تواند قیامت دیگری را با شفاعت تغییر دهد حتی اگر آن فرد فاطمه زهرا باشد و آن شفاعت کننده پیامبر باشد،
- ۶ - جهنم و بهشت هر کس عمل تجسم یافته آن فرد می‌باشد،
- ۷ - و هیچکس نه در جهنم دیگری می‌رود و نه در بهشت دیگری،
- ۸ - شیرینی و تلخی بهشت و جهنم هر کسی معلول احساس عملی است که خود در دنیا کرده است. ♦

والسلام

و ارتش خلقی در طول ۱۵۰ سال گذشته در جامعه ایران بیش از استراتژی تحزب‌گراییه و سازمان‌گر درازمدت سیاسی و صنفی دارای جایگاه تاریخی می‌باشد، باز ریشه در همین روحیه فردگراییه و کاریزماطلبی جامعه ایرانی دارد، چراکه تنها در بستر تشکیلات چریکی و ارتش خلقی است که تشکیلات به صورت دسپاتیزم شکل می‌گیرد. کاریزما مانند تشکیلات حوزه فقهانی پیدا می‌شوند و مبارزه صورت کوتاه مدت پیدا می‌کند و حرکت یک طرفه تشکیلات از بالا به پایین مادیت پیدا می‌کند، اطاعت از مافوق و کورکورانه حاصل می‌شود و شورا و مشورت از بین می‌رود و هر گونه حرکت دموکراتیک چه در عرصه اندیشه و چه در عرصه شوراها نابود می‌شود و خلاصه فردپرستی و تشکیلات پرستی حاصل می‌شود.

ج - زن و دموکراسی: از حیاتی‌ترین موضوعاتی که پیوند تنگاتنگ با موضوع دموکراسی دارد، موضوع زن است. به طوری که آنچنانکه تروتسکی می‌گوید «معیار سنجش آزادی اجتماعی و دموکراسی در هر جامعه‌ای حقوق و جایگاه تاریخی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زن در آن جامعه است»، به عبارت دیگر تنها شاخصی که توسط آن می‌توانیم به ارزیابی جایگاه آزادی و دموکراسی در یک جامعه بپردازیم حقوق زن در آن جامعه است. به عبارت دیگر اگر می‌بینیم امام محمد غزالی در کتاب «نصیحه الملوك» خود زن را یک حیوان تبیین می‌کند نه یک انسان، یا ملاصدرا در «اسفار» و ملاحادی سبزواری در منظومه خود از نظر خلقت، ذات زن را غیر انسانی می‌بینند و تنها برای زن صورت انسانی قائل هستند تا توسط آن مرد بتواند به صورت کارخانه جوجه کشی تولید مثل بکند، یا مهندس مهدی بازرگان در مجلس اول رژیم مطلقه فقهانی در سال ۵۹ دنبال طرحی است تا توسط آن زنان ایرانی را خانه نشین بکند و از کار اجتماعی و اقتصادی آن‌ها جلوگیری نماید، همه این اندیشه‌ها دلالت بر همان گرایش غیر دموکراتیک صاحبان این تفکر می‌کند و صد البته در خصوص تاریخ گذشته ایران زمین، یکی از دلایلی که از ۲۰۰۰ سال پیش تا کنون دموکراسی و آزادی اجتماعی نتوانسته است در جامعه ایران ریشه تاریخی و ساختاری پیدا بکند، همین جایگاه مقوله زن در تاریخ ایران بوده که تقریباً از همان آغاز تاریخ ایران تا این زمان زن ایرانی به انحای مختلف تحت عنوان‌های مختلف سنتی و مذهبی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی سرکوب شده و تمامی حقوق طبیعی و سیاسی او نادیده گرفته شده است و در همین رابطه تا زمانی که ما تکلیف‌مان را با این مقوله فریبه مشخص نکنیم، امکان شکل‌گیری آزادی و دموکراسی در جامعه ایران وجود نخواهد داشت. برای تبیین این موضوع بهتر است ابتدا موضوع زن و جایگاه حقوقی او را از زبان خود قرآن شروع بکنیم و در قیاس تطبیقی با ادیان دیگر و اندیشه‌های دیگر فلسفی، بینیم که قرآن جایگاه زن را چگونه تبیین می‌کند تا با مقایسه با جایگاه زن در قرآن، ببینیم امروز جایگاه زن در جامعه ایران امروز و در اندیشه اسلام فقهانی حاکم چگونه می‌باشد.

د - زن در قرآن و مقایسه تطبیقی زن قرآن با زن تورات تحریف شده:

- ۱ - در قرآن تبیین فلسفی و حقوقی زن را در داستان آدم و خلقت اولیه انسان مطرح کرده است.
- ۲ - آدم در داستان خلقت قرآن نماینده نوع انسان است نه نماینده جنسیت انسان.
- ۳ - در قرآن اصلاً اسم حوا به عنوان زوجه یا زن آدم نیامده است و این اندیشه و کلمه از تورات و اسرائیلیات توسط یهودیان مسلمان شده، وارد اندیشه مسلمانان شده است.

۴ - در قرآن حتی برای یکبار هم لفظ زوجه برای آدم به کار نرفته است، بلکه بالعکس هر جا در باب زوجه آدم می‌خواسته صحبت بکند اصطلاح

زوج به جای زوج به کار برده است - که زوج با زوج به لحاظ ادبی فرق می‌کند - چراکه معنی زوج یعنی زن در صورتی که معنی زوج یعنی جفت که پر واضح است که جفت معنی زن نمی‌دهد.

۵ - در قرآن هرگز مطرح نشده که زوج آدم از دنده چپ یا از تن مرد و آدم خلقت پیدا کرده است و طرح این موضوع که حوا از دنده چپ آدم تکوین پیدا کرده است برای اولین بار در تورات تحریف شده مطرح شده است و از طریق اسرائیلیات توسط یهودیان مسلمان شده وارد اسلام روایتی شده است. تورات سفر تکوین - فصل دو - آیات ۲ تا ۲۳ «پس خداوند برای نجات آدم از تهائی برای او معاونی خلق کرد - پس از تن آدم را هنگام خواب دنده‌ای از قسمت چپ او بیرون آورد پس خداوند از آن دنده چپ یک زن به نام حوا آفرید». بنابراین اصل، در تورات تحریف شده، خود آدم به عنوان مرد است که حوا یا زن از دنده چپ او آفریده شده و سپس، پس از آفریده شدن حوا از دنده چپ او خود این حوا یا زن از نظر تورات عامل فریب دادن آدم در بهشت می‌شود و در همین رابطه است که آدم در تورات به خدا می‌گوید «این زنی که تو از من ساختی از میوه درختی به من داد که من آن را خوردم، پس خداوند به زن گفت این چه کار بود که کردی، زن به خداوند گفت: که مار مرا اغوا کرد، پس خداوند به مار گفت: که تو از جمع حیوانات ملعون شدی و لذا بر شکمت راه خواهی رفت و از خاک خواهی خورد و خداوند به حوا گفت: که من درد زایمان و حامله شدن تو را افزون می‌کنم لذا با درد خواهی زائید و اختیار تو با شوهرت خواهد بود و خداوند به آدم گفت: از آنجائیکه تو هم از میوه خوردی باید از بهشت خارج شوی.»

۶ - در تورات تحریف شده، اصل و اساس مرد است و به خاطر مرد، زن آفریده می‌شود و این زن است که عامل گمراهی مرد می‌گردد و عامل خروج آدم از بهشت زن بوده است.

۷ - در آیه یک - سوره النساء «بِأَيِّهَا النَّاسُ اتَّفَقُوا رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» کلام معتقد است که مرد و زن از یک نفس واحد خلق شده‌اند، یعنی نه مرد از زن خلق شده و نه زن از مرد، بلکه هم مرد و هم زن به صورت مساوی مولود یک نفس واحد دیگر می‌باشند.

۸ - زوج که قرآن مطرح می‌کند با زوج متفاوت می‌باشد چراکه جمع زوج می‌شود زوجات، که اصلا در این رابطه در قرآن مطرح نشده است.

۹ - در قرآن با طرح آدم، نوع انسان مورد خطاب است نه جنسیت مرد یا زن.

۱۰ - در قرآن در داستان آفرینش، انسان اصلا موضوع جنسیت مطرح نمی‌شود بلکه نوع انسان به صورت واحد در نظر می‌گیرد و منش خلقت آن‌ها را از نفس واحد دیگری مطرح می‌کند.

۱۱ - امتحان انسان در بهشت، در قرآن - اصلا روی جنسیت نیست، بلکه روی نوع انسان است.

۱۲ - در قرآن آدم و زوج است نه آدم و زوج، بدین ترتیب در قرآن آدم دلالت بر نوع انسان می‌کند نه جنس مرد.

۱۳ - زوج آدم در قرآن جفت آدم است نه زن آدم.

۱۴ - در سوره اعراف ۳۳ بار زوج یا ضمیر تثنیه و هر دو به کار رفته است.

۱۵ - در اصطلاح زوج برعکس زوج، اصلا برتری جنسی وجود ندارد بلکه بالعکس کاملا تساوی جنسی وجود دارد.

۱۶ - از آنجائیکه قرآن دخالت سیاسی را توسط امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر را در قالب نقد قدرت در قرآن معنی دارد، در طرح فاعل امر به معروف و نهی از منکر این امر هم وظیفه مرد می‌داند و هم وظیفه زن و بدین ترتیب معتقد به زن سیاسی در کنار مرد سیاسی است.

۱۷ - در قرآن هرگز - مانند تورات تحریف شده - گناه اولیه آدم در خوردن میوه به گردن زن نیانداخته است.

۱۸ - در تمامی آیات قرآن در باب آفرینش، داستان خلقت به صورت تثنیه و دو نفری ذکر شده و در هیچ جا طرح این داستان صورت انفرادی ندارد.

و - دموکراسی و آزادی:

۱ - دموکراسی دارای تاریخ ۲۵ قرن می‌باشد که برای اولین بار در آتن در پنج قرن قبل از میلاد توسط سقراط مطرح گردید و نخستین شهید راه دموکراسی خود سقراط بود که در این رابطه مجبور شد جام شوکران را بنوشد و علت مخالفت افلاطون با دموکراسی به خاطر شهادت معلمش سقراط بود.

۲ - افلاطون اریستوکراسی را جایگزین دموکراسی سقراطی کرد، اریستوکراسی افلاطون بر پایه تز حاکمیت فلاسفه و حکما بر قدرت سیاسی بود همان پروژه‌هایی که الگویی شد تا خمینی در دهه چهل تز ولایت فقیه خودش را در کانتکس اندیشه افلاطون مطرح کند، با این اختلاف که خمینی حاکمیت فقها را جایگزین حاکمیت فلاسفه افلاطون کرد.

۳ - گرچه ارسطو شاگرد افلاطون بود اما ارسطو تز ولایت فلاسفه افلاطون را رد کرد و به جای آن معتقد به همان تز دموکراسی سقراط شد.

۴ - بزرگترین فاجعه‌ای که توسط بنی عباس در ترجمه آثار ارسطو و افلاطون در میان مسلمانان انجام گرفت این بود که در ترجمه فلسفی و منطقی، آثار ارسطو را که بر منطق صوری استوار بود ترجمه کردند اما در عرصه سیاست آثار سیاسی ارسطو که در حمایت دموکراسی بود، در میان مسلمانان عمدا توسط بنی عباس ترجمه نشد و به جای آن آثار سیاسی افلاطون ترجمه شد که باعث گردید از قرن چهارم یک حرکت ضد دموکراسی در میان مسلمانان از سر گرفته شود که میوه نهائی این تز ضد دموکراسی، همین تز ولایت فقیه رژیم مطلقه فقهاتی حاکم بر ایران می‌باشد که مدت بیش از ۳۴ سال است که دمار از تاریخ و ملت ایران در آورده است آبشخور اولیه و فلسفی این تز آنچنانکه مطرح کردیم اندیشه‌های فلسفی افلاطون بود که بر تز ولایت فلاسفه در کانتکس اریستوکراسی به عنوان آلترناتیو تز دموکراسی سقراط مطرح شد.

۵ - دموکراسی آنتی یا دموکراسی سقراطی از همان آغاز دارای معایبی بوده که این معایب تا این تاریخ از پروژه دموکراسی بر طرف نشده است. این معایب عبارتند از:

الف - اشکال عمده دموکراسی آنتی یا دموکراسی سقراطی توزیع ناعادلانه قدرت در اشکال مختلف سه گانه قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی می‌باشد. به این دلیل که از آنجائیکه جامعه آنتی که سقراط تز دموکراسی در آن مطرح کرد یک جامعه برده‌داری بود که بیش از نیمی از جمعیت آتن به دلیل برده بودن، نه صاحب حق سیاسی بودند و نه صاحب حق اقتصادی و فرهنگی؛ لذا طبیعی بود که وقتی بیش از نیمی از مردم آتن محروم از حقوق بودند دموکراسی به عنوان بستر توزیع عادلانه قدرت در چنین جامعه‌ای تنها در خدمت برده دارها و قدرت حاکم بود، نه برده‌ها و طبقه محکوم.

ب - اشکال دوم دموکراسی آنتی سقراط در این بود که وسایل ارتباط جمعی به جای اینکه در خدمت مردم باشد در خدمت حکومت و طبقه حاکم بود که خود این امر عامل کشتن سقراط و فرار افلاطون از آتن پس از مرگ سقراط شد، چراکه اتهام اصلی سقراط ایراد سخنرانی و بیدار کردن افکار مردم بود و به همین دلیل سقراط در دادگاه خود، آن جمله معروف را مطرح کرد که «من یک خرمگس هستم که برای بیدار کردن مردم آتن آفریده شده‌ام.»

۶ - دموکراسی بر پایه اندیشه ژان ژاک روسو عبارت است از، انتقال حق حاکمیت از شخص خودکامه پادشاه و... به ملت است.

۷ - اهمیت اندیشه روسو در تعریف دموکراسی در سلب منشاء قوای حکومت از شاه، سلطنت، شیخ، کلیسا و ولایت فقیه به مردم و ملت می‌باشد.

۸ - اشکال تعریف روسو از دموکراسی در این است که در این اندیشه حق

۹ - در تعریف روسو از دموکراسی، اقلیت جایگاه مشخصی در دموکراسی ندارد.

۱۰ - بر پایه اندیشه روسو در آلمان، اکثریت پارلمان به هیئت رای دادند و بنابراین هیئت از مشروعیت لازم برخوردار بود.

۱۱ - مبنای اندیشه روسو در تعریف دموکراسی مطلقیت اراده اکثریت است.

۱۲ - تا پیش از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ کلا ملت و توده‌ها در غرب موضوع سیاست نبودند و همه توده‌ها رعیت و نوکران شاه و کلیسا بودند، بی هیچ حقوق و حقی.

۱۳ - از آنجائیکه روسو دموکراسی را بر پایه انتقال حاکمیت سیاسی از بالائی‌ها به پائینی‌ها تعریف می‌کرد، انقلاب کبیر فرانسه به علت اینکه برای اولین بار اقدام به این امر تاریخی کرد، نماینده پروژه روسو بود.

۱۴ - منتسکیو برعکس روسو در تعریف دموکراسی به تقسیم قوای حکومت‌گران تکیه می‌کرد و تفکیک قوا به سه قوه مقننه و مجریه و قضائیه از ره آوردهای اندیشه منتسکیو در باب دموکراسی می‌باشد.

۱۵ - بنابراین تفاوت تعریف دموکراسی در اندیشه روسو و منتسکیو که هر دو از اندیشمندان و تئوریسین‌های بزرگ دموکراسی می‌باشند در این است که در اندیشه روسو، بر انتقال قدرت سیاسی از بالائی‌ها به توده‌ها تکیه می‌کند اما در اندیشه منتسکیو، بر تفکیک قوا در دست بالائی‌ها تکیه می‌شود.

۱۶ - اشکال عمده روسو و منتسکیو در تعریف از دموکراسی در این است که هر دو در تعریف از قدرت فقط در کانتکس قدرت سیاسی خلاصه می‌کنند و به قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی و معرفتی در جامعه کاری ندارند.

۱۷ - تفاوت اندیشه روسو و منتسکیو در تعریف از دموکراسی در این است که روسو بر منشاء قدرت تکیه می‌کند، اما منتسکیو بر تفکیک قدرت.

۱۸ - بنابراین بر پایه اندیشه روسو می‌توانیم دموکراسی را اینچنین تعریف بکنیم «دموکراسی عبارت است از تعیین نظام سیاسی حکومت توسط اراده ملت به عنوان شهروندان متساوی الحقوق در برابر قانون.»

۱۹ - بر پایه اندیشه روسو در کانتکس تئوری دموکراسی، منشاء حکومت سیاسی نه الهی است و نه تنفیذ شده از طرف امام زمان و نه موروثی است و نه ربطی به جبریت تاریخی دارد، بلکه تنها رای اکثریت مردم در هر شرایطی تعیین کننده منشاء قدرت سیاسی می‌باشد.

۲۰ - آنچنانکه لنین هم مطرح می‌کرد هرگز با بی‌اعتنایی به دموکراسی بورژوازی نمی‌توان به دموکراسی سوسیالیستی رسید. به عبارت دیگر مسیر دموکراسی سوسیالیستی از دل دموکراسی بورژوازی می‌گذرد، چراکه در کانتکس دموکراسی بورژوازی:

الف - حق انتخاب کردن؛

ب - حق انتخاب شدن؛

ج - حق تحزب؛

د - حق سندیکا؛

ه - پذیرش تکثر احزاب و نهادهای مدنی، برای جامعه حاصل می‌شود. زیرا احزاب و نهادهای مدنی در جوامع دموکراسی نهادهایی هستند که مستقل از حکومت عمل می‌کنند که این عمل منتهی به تقسیم قدرت سیاسی - اجتماعی در دموکراسی بورژوازی و در جوامع دموکراسی سوسیالیستی احزاب و سندیکاها و نهادهای مدنی مستقل از حکومت باعث تقسیم قدرت سه گانه سیاسی و اقتصادی و معرفتی در جوامع می‌شود. ♣

ادامه دارد

تاریخ در مرحله تشریحی فقط جنبه نقل حوادث را داشته است و آن هم در خدمت دربار حاکمین بوده است که فقط از شرح حال طبقه حاکمه ثبت می‌شد و نه از توده مردم، اما از قرن هشتم با ظهور عبدالرحمان ابن خلدون تونسلی در شرق و بعد از آن لوتر در غرب تاریخ مرحله نقلی خود را پشت سر گذاشت و وارد مرحله تحلیلی شد که با ظهور فردریک هگل در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم، تاریخ تحلیلی ابن خلدون و لوتر وارد فرآیند سوم خود یعنی تاریخ تبیینی شد که این فرآیند توسط مارکس و انگلس و تاین بی و اشیپنگلر و... ادامه پیدا کرد^۲ برعکس آنچه عبدالکریم سروش در سخنرانی شریعتی و فلسفه تاریخ می‌گوید که «شریعتی فلسفه تاریخ خود را از مارکسیسم گرفته است نه از قرآن و حج و ابراهیم خلیل». چراکه عبدالکریم سروش طبق آن نگاه لیبرالیستی معرفت‌شناسانه که در کانتکس تصوف اشعری گری دارد اصلاً نمی‌تواند جز امر تصادف برای تاریخ (نه در تاریخ تحلیلی و نه در تاریخ تبیینی) معتقد به طرح و پلان و نظم و قانونبندی باشد، لذا او ضمن رد هرگونه قانون و طرح و فلسفه برای تاریخ، جهت تأیید تئوری لیبرال سرمایه داری - پایان تاریخ فوکویاما- اصلاً فلسفه تاریخ را یک امر غیر علمی و غلط و باطل و من در آوردی مارکسیسم و هگل می‌داند که شریعتی آن را در شکل التقاطی وارد اسلام کرده است، او با طرح‌ترم‌هایی مثل - دین توانای شریعتی- در برابر - دین خالص مرتضی مطهری- بینش اسلام دگماتیسم یونانی زده و فقه زده مرتضی مطهری را اسلام خالص و دمکراتیک و معرفت‌اندیش و احیاء طلب و اصلاح طلب و عمیق و دلیلی و غیر التقاطی و آخرت‌گرا و... می‌نامد اما برای اسلام شریعتی از آنجا که جسارت طرح اصطلاح التقاطی را ندارد - اسلام توانا- به کار می‌برد. جل‌الخالق از این همه استعداد! سروش فلسفه تاریخ شریعتی را که او از فلسفه حرکت انبیاء ابراهیمی و در راس همه آن‌ها قرآن کشف کرده است یک فلسفه تاریخ مارکسیستی و هگلی می‌داند که شریعتی به نادرست جهت توانا کردن اسلام وارد دین محمد کرده است تا از دین محمد یک ایدئولوژی مصلحت‌اندیش و معیشت‌اندیش و قشری و سلاح قدرت و احساسی و علتی و غیر دلیلی و دستورالعملی و سطحی و غیر معرفتی و دنیاگری و غیر آخرتی و ضد عقلانی و غیر دمکراتیک و قدرت طلبانه و... بسازد!

پروس فرآیندهای سه گانه که موضوع تاریخ در طی ۲۵ قرن معرفت بشری بوده‌اند، در عرض ۶ سال از حیات تئوریک شریعتی تحولی غیر از این داشت، چراکه شریعتی همین فرآیند ۲۵ قرن تاریخ معرفت بشری را در عرض ۶ سال پشت سر گذاشت، اما آبخور معرفت اندیشه شریعتی هرچند به صورت علت اعدادی و شرطی و در امر تاریخ تشریحی و تاریخ تحلیلی اندیشه‌های ابن خلدون و اندیشه‌های دانشمندان مغرب زمین بوده است ولی در امر موضوع فلسفه تاریخ شریعتی چنان که خود در کنفرانس‌های میعاد با ابراهیم مطرح می‌کند «هم در عرصه تکوین و هم در عرصه تبیین و تشریح» از ادیان ابراهیمی و به خصوص از حرکت ابراهیم خلیل و در راس آن‌ها از متن قرآن گرفته شده است که آن هم در اولین سفر شریعتی به حج در سال ۴۸ می‌باشد، مشخصه فلسفه تاریخ یا فرآیند سوم معرفت تاریخی شریعتی عبارت است از:

۱ - فلسفه تاریخ یا مرحله تاریخ تبیینی شریعتی اقتباس یافته از تاریخ انبیاء ابراهیمی و قرآن می‌باشد (و نه آن چنان که عبدالکریم سروش می‌گوید

۱. البته قابل ذکر است که فونکسیون مهم انقلاب کبیر فرانسه در عرصه فرآیندهای پروس تاریخ این بود که تاریخ را از بردگی طبقه حاکمه نجات داد و به میان توده‌های کوچک و بازار آورد و با این انتقال موضوع تاریخ از طبقه حاکمه به طبقه محکوم، انقلابی عظیم در عرصه تاریخ بشر بوجود آمد.

۲. البته در اینجا موضوع را در عرصه فرادینی و برون دینی مورد بررسی قرار داده‌ایم و گر نه اگر بخواهیم تحول تاریخ و فرآیندهای پروس تاریخی را در کانتکس درون دینی مورد بررسی قرار دهیم و به خصوص در رابطه با انبیاء ابراهیمی این مطلب را تبیین نماییم، آن چنان که معلم کبیرمان شریعتی مطرح کرد تمامی انبیاء ابراهیمی دارای فلسفه تاریخ می‌باشند و همه آن‌ها حتی خود زرتشت دارای فلسفه تاریخ است و بعداً در همین مبحث خواهید گفت که شریعتی فرآیند فلسفه تاریخ خود را دارد.

تقلید از مارکسیسم و هگل باشد).

۲ - فلسفه تاریخ در ضمن نخستین سفر حج برای شریعتی کشف گردید (از نیمه دوم سال ۴۸) که توسط او برای نخستین بار در کنفرانس‌های سه گانه میعاد با ابراهیم (که سفرنامه نخستین سفر حج شریعتی می‌باشد) مطرح گردید.

۳ - شریعتی با ورود به فرآیند فلسفه تاریخ علاوه بر این که از اقبال لاهوری (به عنوان یک معرفت شناس و دارای فرآیند تحلیلی از تاریخ) عبور کرد و وارد مرحله شریعتی کامل شد، بلکه از تمام اندیشه‌های تاریخی و جامعه‌شناسانه و فردی گذشته خود هم عبور کرد و مراحل اسلام‌شناسی تاریخ تحلیلی (اسلام‌شناسی مشهد، از هجرت تا وفات، محمد خاتم پیامبران، سیمای محمد، روش شناخت اسلام) و نیز اسلام‌شناسی جامعه‌شناسانه (امت و امامت، علی حقیقتی بر گونه اساطیر، علی تنهاست و ...) را پشت سر گذاشت و با طرح ترم میعاد با ابراهیم وارد فاز سوم اسلام‌شناسی خود یعنی اسلام‌شناسی فلسفی شد. بنابراین شریعتی در طول ۶ سال از حیات ثنوری خود (۴۵ تا ۵۱) سه مرحله اسلام‌شناسی را طی کرد که عبارتند از.

الف - اسلام‌شناسی مبتنی بر تاریخ تحلیلی،

ب - اسلام‌شناسی مبتنی بر علم جامعه شناسی،

ج - اسلام‌شناسی فلسفی.

۴ - سنگ زیربنای اسلام‌شناسی فلسفی یا فرآیند سوم پروسس اسلام‌شناسی شریعتی فلسفه تاریخ می‌باشد یعنی شریعتی نخست از فرآیند تاریخ تحلیلی عبور کرد و وارد فرآیند تاریخ تبیینی یا فلسفه تاریخ شد و پس از آن اندیشه اسلام‌شناسی فلسفی، که همان اسلام‌شناسی هندسی ارشاد می‌باشد در او شکل گرفت.

۵ - فلسفه تاریخ شریعتی یا فرآیند تاریخ تبیینی شریعتی بر دو ستون و فوندانسیون استوار می‌باشد؛

الف- توحید،

ب- دیالکتیک تاریخی.

۶ - اصل توحید در اندیشه شریعتی به موازات پروسس سه فرآیند تاریخ - تشریحی، تحلیلی، تبیینی - دارای سه بخش می‌باشد؛

الف- فرآیند توحید فردی و توحید اخلاقی (سال ۴۵ مقدمه اسلام‌شناسی مشهد)،

ب- فرآیند توحید اجتماعی (سال ۴۷ و نیمه اول سال ۴۸ اسلام‌شناسی امت و امامت)،

ج- فرآیند توحید فلسفه تاریخ یا توحید فلسفی (سال‌های ۴۹ و ۵۰ و ... اسلام‌شناسی میعاد با ابراهیم و حسین وارث آدم و اسلام‌شناسی هندسی ارشاد و اسلام‌شناسی حزبی قاسطین و مارقین و ناکثین و تفسیر سوره روم و تفسیر سوره انبیاء و شیعه یک حزب تمام).

۷ - اصول معرفت‌شناسانه و متدولوژیک دیالکتیک شریعتی مانند اصل توحید به صورت یک پروسس معرفت‌شناسانه دارای سه فرآیند بوده است به عنوان مثال؛

الف- دیالکتیک نفسانی و فردی- لجن و روح خدا به عنوان دیالکتیک تبیین شده در انسان و اسلام.

ب- دیالکتیک اجتماعی- طبقاتی «ناس - خناس» یا - زر و زور و تزویر- طبقه حاکم در مقابل ناس و طبقه محکوم و مستضعفین در مقابل مستکبرین در میعاد با ابراهیم و مناسک حج شریعتی.

ج- دیالکتیک تاریخی هابیل و قابیل، که در حسین وارث آدم و درس چهارم و پنجم اسلام‌شناسی ارشاد آمده است.

۸ - در فلسفه تاریخ شریعتی:

الف- او برپایه توحید (با استناد به آیه ۲۱۳ سوره بقره و آیه ۵ سوره

قصص) آغاز و سمت‌گیری و پایان تاریخ انسان را در کانتکس توحید اجتماعی و به صورت جامعه بی طبقه توحیدی تبیین می‌کند.

ب - او در فلسفه تاریخ خود توسط دیالکتیک تاریخی هابیل و قابیل علاوه بر این که مبارزه طبقاتی ما بین نیروهای هابیلی (طبقه استثمار شده تاریخی) و نیروهای قابیلی (طبقه استثمار کننده تاریخی) را به عنوان موتور محرکه تاریخ مطرح می‌کند که آن را با پیروزی هابیلیان (مستضعفین تاریخ) بر قابیلیان (مستکبرین یا استثمارگران تاریخ) امری محتوم و قطعی می‌داند با این وجود مناسبات یا فرماسیون‌های تاریخی را که در اشکال کمون اولیه و سرواژی و بردگی و فنودالیت و سرمایه داری در غرب وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌دهد و خودیژگی‌های تولید آسیایی و مشرق زمین را قبول می‌کند. شریعتی شکل مالکیت را که از نظر او تعیین کننده شکل استثمار و تحقق سوسیالیسم علمی مورد نظر او می‌باشد با اشکال فرماسیون‌های پنج گانه فوق متفاوت می‌داند و آن را در دو شکل مالکیت فردی و مالکیت اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است که تمامی فرماسیون‌های پنج گانه و حتی فرماسیون سوسیالیسم در کانتکس این دو نوع شکل از «مالکیت فردی و اجتماعی» عمل می‌کنند.

۹ - شریعتی در فلسفه تاریخ برای اولین بار ترم مستضعفین در قرآن را از زیر غبار تفسیری دگماتیسم کلامی و فلسفی و فقهی و صوفی گری و... خارج کرد و آن را از مفهوم فردی، نفسانی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی خارج ساخت و به صورت یک ترم تاریخی، اجتماعی، طبقه‌ای (نه فردی و اخلاقی و اقتصادی) در آورد، شریعتی ترم مستضعفین را به عنوان نیروی بالنده تاریخی در فلسفه تاریخ خود مطرح کرد که از نظر وی «مستضعفین یا طبقه بالنده تاریخ علاوه بر این که در عرصه مبارزه طبقاتی باعث حرکت بالنده و دینامیک تاریخ می‌شوند، در آینده حاکمیت سیاسی و اقتصادی تاریخ را نیز در دست خواهند گرفت».

ح - اسلام نهضت و اسلام نظام:

حال که تا اینجا به جایگاه تاریخ در رابطه با انواع اسلام پی بردیم در ادامه به بررسی اسلام نهضت و اسلام نظام می‌پردازیم چرا که:

۱ - از نظر قرآن ادیان وجود ندارد و قرآن فقط دین قبول را دارد.

۲ - دینی که قرآن قبول دارد فقط اسلام است و تمامی حرکت انبیاء تنها در کانتکس این یک دین که همان اسلام می‌باشد قابل تبیین می‌باشد.

۳ - بنیانگذار اسلام از نظر قرآن ابراهیم خلیل می‌باشد که سر سلسله پیامبران توحیدی است.

۴ - مبنای فلسفی حرکت تمامی انبیاء ابراهیمی (از ابراهیم تا محمد) بر پایه اصل توحید و مبارزه با بت پرستی و شرک است، یا به عبارت دیگر بر «لا» و «الا» استوار می‌باشد، لا در حرکت انبیا نفی بت پرستی و شرک می‌باشد و الا به معنی توحید وجود است.

۵ - توحید در حرکت انبیا ابراهیمی (از خلیل تا خاتم) یک توحید کلامی است که در باب صفات و ذات و افعال باری نبوده است بلکه توحید مورد نظر آن‌ها یک توحید فلسفی بوده که تجلی آن در ابعاد مختلف - توحید اجتماعی و توحید وجودی و توحید انسانی و توحید تاریخی- مادیت پیدا می‌کرده است و نفی بت پرستی آن‌ها به معنی نفی شرک فلسفی بوده است که تجلی آن در نفی شرک وجودی و نفی شرک اجتماعی و نفی شرک اخلاقی و انسانی و نفی شرک تاریخی مادیت پیدا می‌کرده است.

۶ - از آنجا که در رابطه توحید و شرک از دیدگاه پیامبران ابراهیمی و قرآن اصالت با توحید می‌باشد و شرک به عنوان یک امر ثانوی است، لذا اصل توحید هم در تکوین و هم در تاریخ - چه در وجود و چه در جامعه و چه در انسان و چه در تاریخ- داری اصالت تکوینی و تقدم وجودی بر شرک است، یعنی از نظر انبیاء ابراهیمی و قرآن آن چنان که در هستی وجود ابتدا توحید حاکم بوده است، در تاریخ و جامعه انسانی و خود انسان هم ابتدا توحید وجود داشته است و شرک اجتماعی و شرک تاریخی و شرک اخلاقی و انسانی بعدا حاصل شده است.

۷ - بت پرستی که موضوع مشترک مبارزه همه انبیاء ابراهیمی می‌باشد به معنای نفی چند بت سنگی و غیره که مردم به عنوان خدای خود انتخاب کرده بودند نیست بلکه یک مبارزه تاریخی و اجتماعی و انسانی و فلسفی است در مقابل شرک فلسفی و شرک اجتماعی و شرک تاریخی و شرک انسانی و به همین دلیل از نظر قرآن از ابراهیم تا محمد به مجرد این که مبارزه با شرک را شروع می‌کردند جنگ و مبارزه آن‌ها با صاحبان قدرت زمان که در اشکال مختلف - قدرت سیاسی یا زور و قدرت اقتصادی یا زر و قدرت معرفتی یا تزویر - بود آغاز می‌شده است، تا ابراهیم می‌خواست که مبارزه با شرک را آغاز بکند جنگ ابراهیم با نمرد آغاز می‌شده است و تا بت‌های بت خانه بابل و اور به دست ابراهیم در هم شکسته می‌شد، قیل از اینکه مردم و توده‌های مدعی نفی خدایان به توسط ابراهیم بشورند آتش نمرد برای سوزاندن ابراهیم در شکل یک مبارزه تاریخی و اجتماعی و سیاسی بر پا شده بود، و به همین ترتیب تا موسی می‌خواهد حرکت ضد بت پرستی خود را آغاز بکند به او دستور می‌دهند که «**ادْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ**» (سوره النازعات - آیه ۱۷) ابتدا به طرف فرعون حرکت کن چرا که او سرکشی می‌کند. در لوای مقابله با فرعون که نماینده قدرت است، جنگ و مبارزه موسی با اشکال ثلاثه قدرت که همان فرعون و قارون و بلعم باعورا یا هامان می‌باشد از سر گرفته می‌شود، و به همین ترتیب داستان مبارزه با شرک توسط عیسی که با سردمداران مذهب یهود که نماینده قدرت معرفتی جامعه بودند مقابله می‌کند، و در آخر از زمانی که محمد از جبل النور پایین می‌آید تا دعوت توحید خود را در تحت لوای شعار «**لا اله الا الله**» از سر بگیرد، مبارزه او با اصحاب قدرت مکه از سر گرفته می‌شود و شکنجه و جنگ و کشت و کشتار از طرف اصحاب قدرت در طول ۲۳ سال بر محمد و اصحاب محمد تحمیل می‌شود، اما مبارزه محمد با شرک در جهت استقرار توحید بی امان ادامه داشته و محمد تنها در عرض ۸ سال دوران مدنی‌اش بیش از ۵۴ قشون کشی نظامی تدارک دید.

۸ - شرک اجتماعی و شرک تاریخی که تاخر تکوینی بر توحید تاریخی و توحید اجتماعی داشته است و به صورت بت پرستی تجلی می‌کرده است در جهت توجیه مذهبی قدرت‌های حاکم بکار می‌رفته است.

۹ - نفی سه ستون در منا تحت عنوان «رمی جمرات» که به وسیله حاجیان در مراسم پایانی حج صورت می‌گیرد، تبیین کننده همین اصل در اسلام می‌باشد چرا که سه ستون فوق که برای همیشه باید در این مراسم به وسیله حاجیان - رمی جمره - بشود دلالت بر استمرار تاریخی مبارزه با شرک در اسلام می‌کند و وجود سه ستون سه گانه دلالت بر شکل سه گانه قدرت یعنی زر و زور و تزویر می‌کند.

۱۰ - از نظر قرآن آن چنان که در هستی و وجود توحید بر شرک تقدم تکوینی داشته است در تاریخ و جامعه و انسان هم تقدم بر وجود توحید بوده است و شرک تاریخی و اجتماعی و انسان بعدا پیدا شده است، لذا جامعه انسانی در آغاز از نظر قرآن واحد بود «**كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...**» (سوره بقره - آیه ۲۱۳) و انسانیت از نظر قرآن که در آدم تجلی می‌کند بر شیطان مقدم بوده است.

۱۱ - تلاش و مبارزه انبیاء ابراهیمی در جهت استقرار و تبیین و تبلیغ توحید فلسفی در راستای استقرار توحید تاریخی و توحید اجتماعی بوده است نه بالعکس.

۱۲ - بنابراین زیربنای حرکت تمامی انبیاء الهی ابراهیمی بر فلسفه تاریخی استوار می‌باشد که این فلسفه تاریخ بر دیالکتیک توحید و شرک مبتنی است که آنچنانکه این دیالکتیک در آغاز از توحید آغاز شده است در پایان به توحید می‌رسد که این توحید با امامت و وراثت مستضعفین بر زمین تحقق تاریخی و اجتماعی پیدا می‌کند

۱۳ - قسط اجتماعی که قرآن در آیه ۲۵ سوره حدید به عنوان هدف رسالت انبیاء ابراهیمی مطرح می‌کند دلالت بر همین مبارزه انبیاء ابراهیمی در جهت توحید اجتماعی می‌کند

۱۴ - از دیدگاه پیامبران ابراهیمی و قرآن توحید و شرک دو مقوله کلامی نیستند بلکه دو اصل فلسفی هستند که دارای تاریخ می‌باشد و همین سیر تاریخی توحید و شرک است که باعث می‌گردد تا اسلام به صورت یک

حقیقت تاریخی از آغاز شروع حرکت (ابراهیم خلیل تا محمد و خاتم و امروز) به صورت دیالکتیکی بالنده بوده و گسترش تاریخی و تکاملی داشته باشد.

۱۵ - تنها تعریفی که برای اسلام نهضت و اسلام نظام بکنیم می‌توانیم انجام دهیم، پیوند و رابطه همین اسلام تاریخی با تاریخ است به عبارت دیگر اسلام نهضت عبارت است از اسلام تاریخی که از خود تاریخ دارد و تاریخ آن بر پایه دیالکتیک «شرک و توحید» تبیین می‌گردد اما اسلام نظام عبارت است از اسلامی که بیرون از تاریخ دار بودن آن تاریخی می‌شود.

۱۶ - اسلام تاریخی که از ابراهیم خلیل تا محمد پیوسته بالنده به پیش می‌رفته است توسط سلسله خلفای عباسی و بوسيله اسلام معرفتی شکل تاریخی به خود گرفت و اسلام معرفتی محمد و اسلام نهضت تبدیل به اسلام نظام گردید. ❖

ادامه دارد

...به همین دلیل کودتای مصر از نظر ما مهم‌ترین فونکسون تاریخی که دارد، شکست تزا اسلام دولتی و اسلام حکومتی است. یعنی کودتای فوق قبل از اینکه باعث سرنگونی محمد مرسی و حزب الحریه و عدالت مصر و گروه اخوان المسلمین بشود، می‌توان پایان تاریخ تزا اسلام دولتی و اسلام حکومتی که با انقلاب ۵۷ ایران و حاکمیت اسلام ولایتی خمینی بازارش در منطقه گرم شده بود، اعلام کرد،...

نشر مستضعفین - شماره ۴۹ - کودتای نظامی مصر

وب سایت:

www.nashr-mostazafin.com

ایمیل آدرس تماس:

Info@nashr-mostazafin.com

تلفن های تماس:

۰۰ ۳۲ ۴۸ ۶۱۱ ۰۳ ۰۸

۰۰۱ ۹۱۴ ۷۱۲ ۸۱ ۸۳

گزارشی از پنجمین گردهم آیی سراسری در باره کشتار زندانیان سیاسی در ایران

پنجمین گردهم آیی سراسری در باره کشتار زندانیان سیاسی در ایران امسال در هلند برگزار شد. زمان این گردهم آیی در روزهای ۲۰ تا ۲۲ سپتامبر بود و در آن سخنرانان، زندانیانی که از زندان های رژیم جان به در برده خاطرات و اطلاعات فراوانی از کشتار زندانیان دارند، کسانی که در رابطه با کشتار زندانیان سیاسی تحقیق می کنند، هنرمندان، شاعران، فعالین زنان، فعالین کارگری و نیروها و جریانات سیاسی از کشورهای مختلف شرکت کرده بودند.



در این گردهم آیی فعالین شورای سوسیالیست های مسلمان و هواداران نشر مستضعفین نیز شرکت داشتند. گرچه در سازماندهی این گردهم آیی شرکت مستقیم نداشتند اما به لحاظ تدارکاتی به این گردهم آیی یاری رساندند.



در این گردهم آیی به جز سالن مرکزی سخنرانی، کارگاه ها هنری و سالن های مجزا برای بحث و گفتگو و همچنین نمایشگاه کتاب و نشریات در رابطه با زندان و زندانی، نشریات و کتاب ها در رابطه با جریانات و نیروهای سیاسی ترتیب داده شده بود که آخرین شماره های نشر مستضعفین و تعدادی از مجموعه مقالات متعلق به شورای سوسیالیست های مسلمان نیز در آنجا تبلیغ می شد و البته توجه عده زیادی را به خود جلب کرد، بطوری که در همان روز شنبه در میزهای ما تعداد کمی از نشریات باقی مانده بود.